

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۳

به رئیسی جلاد!
زنان شما و اسلام را جمع می کنند

سیاوش دانشور

صفحه ۴

جدال آلترناتیوها!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲
بخش پنجم: صدای انقلاب، توماج صالحی دستگیر شد!

پروین کابلی

صفحه ۵

در رابطه با آتش سوزی جنگلهای مریوان

کمونیست هفتگی می پرسد

صفحه ۸

درس‌های پاییز ۲۰۲۲ برای پاییز ۲۰۲۳

دوراهی تکرار شهریور و ارتقای مبارزه به مرحله بالاتر

سمیرا دولتشاهی

صفحه ۱۰

گرانی، تورم، بلای جان مردم!

ورشکستگی اقتصادی رژیم اسلامی، مردم تاوان می دهند

سعید یگانه

صفحه ۱۲

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۴

سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱!

لزوم تشکل یابی جنبش دانشجویی!

امیرعسگری

صفحه ۱۶

”گرانی چراغ خاموش نان“

با دست گرفتن نان به خیابان بیایید!

سیاوش دانشور

صفحه ۱۶

۷۱۱
مصلحتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۲۰ مرداد ۱۴۰۲ - ۱۱ اوت ۲۰۲۳

بیست و هشتم مرداد ۵۸ و جنبش

مقاومت،

سر آغاز عروج جنبش چپ و

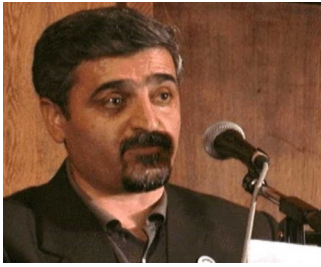
سوسیالیستی در کردستان

رحمان حسین زاده

چهل و چهار سال از دستور "جهاد" خمینی
جلاد علیه مردم کردستان گذشت. هدف
بلاواسطه و عاجل هجوم نظامی جمهوری
اسلامی در ۲۸ مرداد ۵۸ و تصرف شهرهای
کردستان توسط ارتش و سپاه پاسداران تلاش
برای سرکوب این آخرین عرصه سنگر
انقلاب مردم ایران و کردستان بود. حمله به
دستاوردهایی بود که به همت جنبش رادیکال،
آزادیخواهانه و چپ (و نه جنبش همه با همی)
در حیات سیاسی و اجتماعی مردم کردستان
در همان چند ماه به دست آمده بود. در آن
مدت کوتاه آزادیهای وسیع سیاسی، اتحاد و
تشکل کارگری و توده ای، اعمال اراده مستقیم
توده کارگر و مردم در اداره امور جامعه و به
دست گرفتن سرنویشت خود بخشاً از کنال
شوراها و نهادهای مستقیماً مورد انتخاب و
مسلح خود به دست آمده بود. در آن دوره جنب
و جوش وسیع مبارزاتی و گسترش و تعمیق
مبارزه طبقاتی و ارتقاء خودآگاهی سیاسی و
حق طلبانه، تقابل با ارتجاع مذهبی و غیر
مذهبی محلی و جنبشها و سنتهای عقب مانده،
نقد و افشای ناسیونالیسم و حزب دمکرات
کردستان به عنوان تحزب آن هر چند نارسا را
شاهد بودیم. به میدان آمدن زنان به عرصه
مبارزات سیاسی و اجتماعی، پایان گرفتن
عملی ستم ملی و در یک تصویر کلی پایان
استبداد و اختناق و دیکتاتوری و پایان اعمال
حاکمیت از بالای سر مردم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



دمکرات کردستان تحت رهبری عبدالرحمن قاسملو در آن دوره طبق هدف و پلاتفرم شناخته شده ناسیونالیسم کرد در تلاش برای شریک شدن در قدرت سیاسی با حاکمیت اسلامی تازه به قدرت رسیده بود. به خمینی "لبیک" گفت تا با اندک امتیازات سیاسی و فرهنگی و طبق طرح "خودگردانی اسلامی" سازش کند. جمهوری

اسلامی از درسازش درنیامد. قبل از یورش نظامی ۲۸ مرداد، حزب دمکرات کردستان بارها بیربطی خود را با مبارزات درخشان مردم همانند جنگ و مقاومت درخشان مردم در نوروز خونین سنندج و کوچ تاریخی مریوان و ایستادگی در مقابل ارتجاع و فئودالهای مزدور جمهوری اسلامی را نشان داده بود. این حزب خود را برای سازماندهی و مقاومت توده ای و مسلحانه آماده نکرده بود، بلکه به آن تحمیل شد. لازمست تاکید کنم، در بطن تظاهراتهای توده ای علیه رژیم سلطنت و برای سرنگونی آن و سپس در تداوم مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی جنبش رادیکال و سوسیالیستی مبتکرانه و متفاوت و متمایز از جنبش ناسیونالیستی و راست جامعه کردستان در صحنه حاضر بود. از آن دوره تاکنون صحنه مبارزه سیاسی کردستان شاهد عرض اندام دو جنبش متفاوت از هم، در یک طرف جنبش چپ و سوسیالیستی و در طرف دیگر جنبش راست و ناسیونالیستی است. این روند مهمترین نقطه عطف تاریخ تحولات سیاسی و مبارزاتی جامعه کردستان بود. پدیده مهمی که برای اولین بار به یک تازی جنبش طبقات دارای جامعه و مشخصاً ناسیونالیسم کرد خاتمه داد.

سازماندهی مقاومت مسلحانه و مبارزات توده ای در مقابل جمهوری اسلامی، جایگاه بسیار مهمی در سد کردن تعرض افسار گسیخته رژیم برای سرکوب سریع و شتابان سنجر انقلاب و مبارزه مردم کردستان و ایران داشت. تعرض نظامی جمهوری اسلامی بعد از سه ماه شکست خورد. پیروزی برای مقاومت و مبارزه حق طلبانه مردم کردستان و نیروهای سیاسی و مسلح به دست آمد. شکست خمینی و ضد انقلاب به قدرت رسیده در جنگ سه ماهه اول (از ۲۸ مرداد تا اواسط آبانماه ۵۸)، بسیاری از توطئه ها و معادلات ارتجاعی جمهوری اسلامی را علیه مردم ایران و کردستان به هم زد.

نه تنها در کردستان، بلکه در سطح سراسری هم بار دیگر و به نحو تعیین کننده ای تناسب قوا به نفع جبهه مبارزه علیه رژیم اسلامی و به نفع نیروهای رادیکال و انقلابی چرخید. روند سرکوب انقلاب و بازپس گیری دستاوردهای آن در سطح سراسری به شدت کند شد. جنبش کارگری و جنبشهای رادیکال اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون و مشخصاً نیروهای چپ و سوسیالیست نفسی تازه کردند. فرصت فعالیت و ابراز وجود بیشتر پیدا کردند. این وضعیت تا سرکوب خشن ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه پیدا کرد. در خود کردستان بعد از جنگ سه ماهه اول حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی برچیده شد. مردم شهرو روستاهای کردستان در فضایی آزاد، همانند چند ماهه بعد از انقلاب ۵۷ فرصت به دست گرفتن سرنوشت و اعمال مستقیم حاکمیت خود را ولو کوتاه مدت پیدا کرده و دستاوردهای آن دوره که بالاتر به آن اشاره کردم، کاملتر و وسیعتر تجربه شد.

۲۸ مرداد ۵۸ حاوی پیام بسیار مهم و تعیین کننده ای بود. پیام سازماندهی مقاومت و مبارزه برای آزادی و انقلاب. پیام سازماندهی جنبش و مبارزه متفاوت به دور از محاسبات و معامله گریهای جنبش راست و ناسیونالیستی. پیام ایستادگی در مقابل ارتجاع تازه به قدرت رسیده که به نام انقلاب، سرکوب انقلاب مردم ایران را و یکی از حلقه های مهم تداوم آن یعنی مبارزه مردم در کردستان را در دستور داشت. از نزدیک به نیم قرن اخیر دقیقاً به همت و ابتکار کمونیستها و آزادیخواهان

بیست و هشتم مرداد ۵۸ و جنبش مقاومت،

سر آغاز عروج جنبش چپ و سوسیالیستی در کردستان

رحمان حسین زاده

ولو کوتاه مدت تجربه شد. اینها دستاوردهایی بود، که ضد انقلاب اسلامی تازه به قدرت رسیده و ارتجاع محلی ظرفیت تحمل آن را نداشتند.

به همین دلیل از همان فردای انقلاب ۵۷ هیئت حاکمه بورژوازی و ارتجاعی جدید با دولت موقت و بعداً غیر موقت آن و با همگامی ارتجاع مذهبی و مکتب قرآنی، و آخرین پس مانده های عشایر و فئودالها و قیاده موقت علیه مردم کردستان و دستاوردهای پیشرو آن مدوماً توطئه چیدند. نهایتاً حمله نظامی به کردستان این روند قدرتمند تر شدن صف آزادیخواهی و تداوم انقلاب با پتانسیل قوی چپ را فچی کرد. یورش نظامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ خلق الساعه اتفاق نیفتاد. قبل از آن جمهوری اسلامی به زنان و حقوق زنان، به کارگران بیکار تهران و اصفهان در همان اول ماه قدرت گیری خود در اسفند ۵۷ حمله کرد. در ادامه جنگ خونین سنندج و ترکمن صحرا را در بهار ۵۸ سازمان داد. سرکوب و اسلامی کردن دانشگاههای سراسر ایران و حمله به سازمانهای چپ و رادیکال سراسری را در دستور گذاشت. به منظور تحمیل حاکمیت سپاه و اسلامی خود، مضحکه "رفراندم آری یا نه" به جمهوری اسلامی را سازمان داد. (اکثریت وسیع و قاطع مردم کردستان در مضحکه رفراندم شرکت نکردند) حمله و کشتن مردم در ۲۳ تیر مریوان و دهها طرح و توطئه ارتجاعی دیگر را در سراسر ایران و کردستان به اجرا گذاشت. حاصل مجموعه این اقدامات و حمله نظامی به کردستان، در راستای سرکوب انقلاب و تحمیل حاکمیت بورژوا اسلامی مورد حمایت قدرتهای جهانی و ارتجاع محلی بود.

اما این یک تصویر از تحولات مهم آن دوره است. تصویر مهمتر شکل گیری مقاومت و مبارزات توده ای و مسلحانه در دفاع از دستاوردهای آزادیخواهانه انقلاب ۵۷ و مقابله با تعرض جمهوری اسلامی متکی به اراده مردم کردستان برای به دست گرفتن سرنوشت خود بود. عروج جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه در مقطع ۲۸ مرداد ۵۸ و بعد از آن اساساً به ابتکار کمونیستها و کومه له آن وقت ممکن شد. بیانیه "خلق کرد در بوته آزمایش" که توسط رهبری وقت کومه له برای مقابله با هجوم نظامی رژیم صادر شد، به نظرم مانیفست و پلاتفرم اولیه شکل دادن به جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه به ابتکار کمونیستها در آن دوره بود. براین باورم اگر قطب چپ و مشخصاً کومه له در آن مقطع تصمیم به سازماندهی مقاومت و تداوم مبارزه در ابعاد توده ای و مسلحانه را نمیگرفت، قطب راست و مشخصاً حزب دمکرات کردستان به چنین کاری دست نمیزد. این فقط ادعای تحلیلی من نیست، کارکرد حزب دمکرات کردستان در مقطع انقلاب ۵۷ وضدیت و کارشکنی او در مقابل مبارزات رادیکال توده کارگر و مردم زحمتکش و برای مقابله با قدرتمند شدن نیروها و ترند چپ و سوسیالیستی در چند ماهه قبل از تهاجم ۲۸ مرداد با دهها فاکت بزرگ سیاسی و اجتماعی که در حافظه جامعه و ما فعالین سیاسی و مبارزین آن دوره ثبت شده این واقعیت را اثبات میکند. به سهم خود بارها در این مورد نوشتم و اگر لازم باشد این اقعیت را برای نسل جوان و مبارزین این دوره دوباره بازگو میکنیم. حزب



و رهبری اجزای کار
ماست. دوباره برمی خیزیم!
یاد یاران را با پر کردن
سنگرها و تلاش برای
پیروزی گرامی میداریم!
علیه زن کشی و فقر و فساد
و جنایت، علیه حکومت
نکبت اسلامی سرمایه
بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳



بیست و هشتم مرداد ۵۸ و جنبش مقاومت،

سر آغاز عروج جنبش چپ و سوسیالیستی در

کردستان

رحمان حسین زاده

در کردستان جنبش متمایز و راه متفاوت و امید بخشی پیش پای مردم خواهان تداوم انقلاب و تشنه آزادی و رفاه و سعادت گذاشته شد. اگر در یکسال گذشته به دنبال قتل دولتی مهسا امینی مبارزات رادیکال و گسترده در کردستان سهم تعیین کننده ای در خیزش انقلابی سراسری مردم ایران ایفا کرد، ریشه در حضور موثر و دخالتگرانه بیش از چهارده جنبش چپ و سوسیالیستی در کردستان دارد. اکنون جنبش چپ و کمونیستی ما در دوران تعیین کننده و سرنوشت ساز کشمکشهای سیاسی و طبقاتی متکی به تجارب بسیار غنی مبارزات رادیکال گذشته و با خودآگاهی و توانایی بیشتر سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه را به عنوان هدف فوری خود در دستور دارد.

دهم اوت ۲۰۲۳

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهرپور

برویم!

علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و

فلاکت اقتصادی!

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران چرکه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سفر و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانبخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتصاب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد افتضاح بیار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپاخواستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانبختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



نظام ضد زن و فاسد و آدمکش شما به چشم خود صحنه هائی را دید که در خواب هم تصورش را نمی کردید. دیدید که آخوند تن پرور جرات آفتابی شدن در خیابان را ندارد و عمامه پرانی به زنگ تفریح مبارزه تبدیل شد. دیدید که "بدحجابی" بسرعت به برداشتن حجاب و حجاب برگیران دسته جمعی ارتقا یافت. دیدید که زنان انقلابی و پرتوقع با شعار آزادی و برابری، حجاب اسلامی این سمبل شاعت آفات را جلوی چشمان از حدقه درآمده تان به آتش کشیدند. دیدید که هر بنر و بیلبورد و پوستر نظام و مراکز تحجر دینی مورد تهاجم قرار گرفت. و این تازه آغاز کار است، سورپرایزهای دیگری در راهند.

دکان محرم و عاشورايتان که مدتها قبل به "حسین پارتی" تبدیل شده بود، امسال در هر گوشه شهرهای ایران زیر فشار جنبش ضد دینی و ضد حکومتی، با تمام سرمایه گذاری ها، یا سوت و کور برگزار شد و یا با نق و ناله های انتقادی درون خانوادگی از موضع اسلامی همراه بود. مردم اما کاری به کار شما عهد عتیقی ها نداشتند. برای خودشان بساط رقص و شادی و موزیک راه انداختند تا بگویند با شما فسیل های از گوربرخاسته از یک جنس نیستند. تا بگویند بیزارند از دین و آئین شما!

رئیس قصاب! تنها "هنر" تو آدمکشی است. امیدوارم زنده بمانی و در دادگاه منتخب و عادلانه مردم برای محاکمه سران و کاربدستان بیش از چهار دهه جنایت و نسل کشی محاکمه شوی. تو از زمره کسانی هستی که هزاران جان شیفته و الیت سیاسی مملکت را بدستور خمینی جاهل قصابی کردی. تو به اعتبار این کارنامه سیاه "قاضی القضاة" و "رئیس جمهور" شدی. تو و اربابت خامنه ای الذنگ اگر هنری دارید بروید بساط فساد و فسق و فجور درون خودتان را جمع کنید. سرتاپایان را کثافت برداشته است، نکبت زاده هایان در آمریکا و کانادا و انگلیس و کشورهای دیگر با خون مردم و ثروتهای جامعه حاصل کار کارگران، حرمرای اسلامی در پنت هاوس ها و کشتی های تفریحی شان راه انداخته اند. شماها حتی نتوانستید فرزندان خودتان را به رعایت "شئونات اسلامی" مجاب کنید، حالا میخواید جامعه فهم و قرن بیست و یکمی ایران را زیر بیرق خونین و مملو از لجن اسلام وادار به تمکین کنید؟ کور خواندید! دیر شده است، خیلی وقت است که کار از کار گذشته است. اسلام در ایران مُرده است. حکومت اسلامی در ای سی یو است و تنها با زور تفنگ و سرکوب تنفس میکند.

کارگران، زنان و مردان آزاده!

اینها نفس های آخرشان را می کشند. پشت این عریده ها و تهدیدها دنیائی از وحشت لانه کرده است. توی دلشان بشت خالی است و از ترس چنگ و دندان نشان میدهند. توی دهان رئیسی و رادان و ابواب جمعی خامنه ای بزنید. همه باندهای حکومت در تداوم این اوضاع ذینفعند و دستجمعی نگران غرق شدن کشتی به گل نشسته نظام اسلامی اند. جواب تعرض را با تعرض میدهیم. با اعتراض و اعتصاب و تهاجم و گوشمالی عقب شان برانیم، دستاوردها را تثبیت و فراتر رویم. بین ما یک دریای خون وجود دارد، هیچ نقطه سازشی را قبول نمی کنیم، جمهوری اسلامی نمی خوایم، ما اسلام و حکومتش را جمع می کنیم. ما می مانیم و اینها رفتنی هستند.

۱۰ اوت ۲۰۲۳

#حجاب را آتش بزنید

#حکومت فقر نمیخوایم

#نانِ گرانِ جانِ ارزانِ بیا بیا زحمتکش

به رئیسی جلاد!

زنان شما و اسلام را جمع می کنند

سیاوش دانشور

رئیس قصاب زندانیان سیاسی مجدداً "لوکومتیر"ش ترمز بریده و دست به اظهارات "پروپکائی" زده است! وی و نظامش که از مقاومت شکوهمند زنان علیه حجاب اسلامی به تنگ آمدند، وعده داده است که "بی حجابی را جمع می کنیم!" سرنوشت این وعده سیاسی اش چیزی مانند سرنوشت وعده های اقتصادی و "انتخاباتی" اش خواهد بود.

گماشته خامنه ای در ته صف دایناسور امام جمعه ها و دلواپسان نظام رو به موت اسلامی علیه زنان وارد گود شده است. اما خود وی و اربابش خامنه ای میدانند که این تهدیدها و تمهیدات طرح جدید "حجاب و عفاف" راه بجائی نمی برد. شکست خورده اند و در حال عقب نشینی شعار میدهند و خط و نشان می کشند.

رئیس جمهور شش کلاسه که اگر "ناهار"ش دیر شود عمامه اش را به زمین می کوبد، بیهوده تجاهل میکند که بی حجابی در ایران به عده معدودی "تحریک شده" مربوط است و بزودی "جمع میشود". بیش از چهار دهه است که ارتش ضد زن اسلام علیه زنان تیغ می کشد، می گیرد، می کشد و تجاوز می کند، اما به وضعیت زار امروز رسیده است. آیا نمی فهمید یا خود را به نهمی می زنید که دوره اسلام و احکام اسلامی در ایران به سر رسیده است؟ رئیسی البته در این مقاومت ارتجاعی علیه بدوی ترین حقوق شهروندان تنها نیست. از خاتمی عبا شکلاتی تا سلبریتی مزدورهایی که خود را "سگ امام حسین" معرفی میکنند، از چاقوکشان و خشکه مقدس های موسوم به اصولگرا تا خیل آدمکشان گشت ارشاد و نیروی انتظامی و این اواخر پاسدار رادان قاتل، هرچه در چننه داشتید رو کردید و به اینجا رسیدید. بیهوده شعار ندهید!

رئیس نوکر سرمایه دار! نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی جرات ندارند در شمال تهران و مناطق "از ما بهتران" قدم بگذارند. گشت ارشادتان در مناطق بورژواها آفتابی هم نمیشود، سهل است، چاکرمتشانه سرویس هم میدهد. باستی هیلز لواسان که پارتی های شبانه اش دست بورلی هیلز آمریکا را از پشت بسته است و دور دور با لامبورگینی و مازراتی و پورشه و آمد و رفت در کافه ها و رستورانهای شیک و فروشگاه های خیلی سوپر با موزیک و بی حجابی در آن قدیمی است. زبان شما نوکرهای سرمایه داران فقط برای مردم محروم دراز است. آدمکش های شما فقط برای زن و مرد آزاده و دانشجو و محصل و فرزندان کارگران و دستفروش و کارگر و بازنشسته بیمار قلدری میکنند. زندان ها و دادگاه هایان کارگر را به سر دار میکشند و در عوض سویت های لوکس با خدمات ویژه برای "خودی"ها فراهم میکنند. بازجوهايتان با شکنجه و قتل گرسنگان ترفیع میگیرند و نماینده مجلس میشوند. مردم شما را خوب می شناسند، نفرت از شما کربیه تان حد و حصر ندارد.

نگرانی و ترس تان بجاست. حجاب اسلامی پرچم حکومت آفاتاید جنسی در ایران است. این نشان و علم حکومت زیر پای زنان انقلابی و نسل جدید له شده است و همراه آن باد اقتدار پوشالی تان خالی شده است. حکومت شما خشن ترین آفاتاید طبقاتی در منطقه و جهان است که دهها میلیون انسان را به گرسنگی و فلاکت محکوم کرده است تا تخم و ترکه هایان در داخل و خارج خرج کنند. گفته بودیم که به سمتی میرویم که در اجتماعات و محلات و خیابانها حجاب سوزان راه می اندازیم، نگفته بودیم! گفته بودیم که جنبش آنتی اسلامبستی بساط صنعت و تجار دین و آخوند طفیلی را جمع خواهد کرد، نگفته بودیم! گفته بودیم در ایران هرچه نشان اسلام و اقتدار حکومت را به آتش می کشیم، نگفته بودیم! و

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



اسلام سیاسی از فعالین کمونسم کارگری داشت. صفوف هشت مارس و اول مامه مه ها و میزهای کتاب از طرف ایرانیان در بسیاری از کشورهای جهان چشمگیر بود. جمع های سالانه ی مجاهدین و گسیل هواداران مجاهدین با اتوبوس به پاریس هم به یک روئین بود و یا اعتراضاتی که در مقابل صندوق های رای برای انتخابات مجلس برگزار می شد به چشم می خوردند.

طرفداران حکومت پهلوی تا قبل سال ۲۰۰۲ فقط حضورشان عمدتاً با پرچم های سه رنگ در آمریکا مشاهده می شد. بویژه در شهر لس آنجلس که مرکز اصلی آنها بود. در سالهای اخیر که اعتراضات داخل ایران وسیعتر شده بود بتدریج در شهرهای اروپایی هم دیده شدند. در مهرماه در تجمعات جریانات راست و سوسیال میدیا جریان راست پروغرب، شعار مرد، میهن، آبادی به زن، زندگی، آزادی اضافه شد. هیچ شخصی یا جریانی سیاسی بطور علنی نتوانست از این شعار دفاع کند. عمق شونیسیم مردسالار و ناسیونالیسم و کثافت عظمت طلب ایرانی و پان ایرانیستها را می شد در این شعار دید. شعاری که نه تنها در تکامل جنبش انقلابی موجود نبود، بلکه در تقابل با حضور قدرتمند زنان و انقلابیون بود. این شعار در نقطه مقابل جنبش رادیکالی بود که هدفش افشای مذهب، ناسیونالیسم و شونیسیم مردسالارانه بود. این شعار بسیار زود از آنجایی که فضای رادیکال و مدرن بر اعتراضات حاکم بود کنار زده شد.

مهرماه کارگران صنایع نفت، پترو شیمی بوشهر، عسلویه، پالایشگاه آبادان، با شعار "مرگ بردیکتاتور" به میدان می آیند. رضا پهلوی در توییته نوشت:

«با توجه به اینکه کارگران ایرانی برای اعتراض و زمین گیر کردن رژیم در حال برگزاری اعتصاب هستند، غرب می تواند با ایجاد صندوق های اعتصابات، از خانواده های این کارگران حمایت کند» درکنار این تقلاها، چشمک زدن های رضا پهلوی به سپاه پاسداران ادامه پیدا می کند. خنده دار است که نماینده جریان راست پرو غرب که تلاشش برای بقای سرمایه داری موجود است به حمایت از کارگران برخاسته است. در پس این توییت باید قدرت کارگر را دید نه جمع آوری خیریه برای کارگران از طرف حکومتی که با انقلاب مردم شکست خورده بود.

با شروع آبان ماه جنبش اعتراضی وارد دوره مهم می شود. در صدها شهر کوچک و بزرگ اعتراضات گسترده پا می گیرد و اشکال جدیدی از سازماندهی بخود می گیرد. شعارها رادیکالتر می شوند. در بیش از ۲۰ نقطه تهران خیابانها و میداين از بعد از ظهر به بعد دست انقلابیون است. رژیم با میلیتاریزه کردن شهرها تلاش می کند که با این روند مقابله کند. در روز جمعه ۱۳ آبان درحالیکه ۴۹ روز از اعتراضات می گذرد، اعتراضات مردم شهرهای سیستان و بلوچستان مورد تعرض نیروهای رژیم قرار می گیرد و دهها نفر کشته، زخمی و دستگیری بجای گذاشت.

بعد از مهرماه به مرور اپوزیسیون راست بیشتر به تقلا افتاد. شخصیت های اپوزیسیون راست در شورای گذار، فرسگردها، و با کمک چهره هایی چون مسیح علینژاد، حامد اسماعیلیون، در کنار رضا پهلوی، نازنین بنیادی با پشتیبانی رسانه های بستر اصلی به جلو صحنه رانده شدند و با شعارهایی مانند ایران را "پس می گیریم" بیش از پیش بی ربطی خود را به آنچه که در ایران می گذرد نشان می دهند و تلاش می کنند که بهر وسیله ای شده است قالب های خود ساخته مذهبی و ملی را به مردم تحمیل کنند. عکسهای مهسا با شعارهای ناسیونالیست های قوم پرست بازتکثیر میشود. مژگان افتخاری، مادر مهسا در یک پست فیسبوکی بسیار زیبا نوشت با یک بیت شعر «ازم به سر زلف تو ای دختر ایران / کز پرده برون رفت و به هم ریخت جهانی» نوشت که دخترش به جهان تعلق دارد و آب پاکی روی دست همه ریخت. مزار مهسا

جدال آلترناتیوها!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش پنجم: صدای انقلاب، توماج صالحی دستگیر شد!

پروین کابلی

دوره ای که با خیزش انقلابی مردم در ایران آغاز شد نه تنها تقابلی جدی با جمهوری اسلامی بود بلکه دوره ای شد که احزاب چپ و راست با برنامه و عملشان بطور جدی در مقابل جامعه ظاهر شدند. بطور واقعی در سطح علنی باید از این موقعیت بعنوان جدال آلترناتیوها نام برد. این جدال چه بود و دورنما و چه تأثیری بر روند جامعه پر از تنش ایران داشت؟

انقلاب ایران یک انقلاب همگانی و یک جنبش "همه با هم" نخواهد بود. انقلاب ایران انقلابی کارگری خواهد بود با هدف اثباتی ایجاد یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی. این انقلاب از دل جنبش جاری و به احتمال قوی با موفقیت جنبش جاری عروج میکند. نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت. این بار خامی و خوشیاوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود. احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند. اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیبندند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد. بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. «مصاحبه نشریه انترناسیونال با منصور حکمت در رابطه با خیزش مرداد ۱۳۷۸ برابر با اوت ۱۹۹۹ تحت عنوان (خیزش توده ای برای سرنگونی رژیم آغاز می شود.) منصور حکمت منتخب آثار ضمیمه ۲»

با شروع خیزش انقلابی ۱۴۰۱ برای اولین بار در تاریخ مبارزه علیه جمهوری اسلامی، صفوف هزاران نفری ایرانیان خارج کشور خیابانهای شهرهای بزرگ را پر کردند. به گفته ی ویکیدیا «در اعتراض به حمله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به معترضین در سراسر ایران و کشته، بازداشت و مجروح شدن عده زیادی از مردم، برای اعلام همبستگی با مردم ایران در بیش از ۱۵۰ شهر از کشورهای جهان توسط ایرانیان مقیم خارج و مردم آن کشورها برگزار گردید.»

سوال این بود که این صف برای کدام وجه اهدافی به حرکت در آمده است؟ اپوزیسیون راست و چپ با چه چلنجی روبرو بود و برای پیشبرد خیزش انقلابی مردم ایران کدام اهداف را در مقابل خود قرار داده اند؟

تا قبل از این تاریخ غیر از مواردی نایاب مثل جنبش سبز و انتخابات ریاست جمهوری در ایران در سال ۲۰۰۹ خارج ایران چنین تجمع های گسترده ای را بخود ندیده بود و این چپ و کمونیست ها بودند که بطور مدام و به مناسبت های مختلف مثل سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی، اعدام، اسیدپاشی، سنگسار زنان، دیدار سران رژیم با سران دولت ها، قتل زندانیان سیاسی در زندان، علیه دستگیری فعالین سیاسی و کارگری، تجمع در مقابل سفارتهای رژیم و بسیاری موارد دیگر در خیابانها با پرچمهای سرخ در حرکت بودند. چهره های فعالین چپ در بسیاری از کشورها جزو چهره های شناخته شده بودند. نمایندگی کردن و دفاع از جنبش برای آزادی زن در ایران، حقوق کودکان در خانواده های خارجی تبار، برای ممنوعیت حجاب کودکان، علیه اعدام، علیه قتل های ناموسی چهره های سرشناسی، مبارزه علیه

جدال آلترناتیوها!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان

۱۴۰۲

بخش پنجم: صدای انقلاب، توماج صالحی دستگیر شد!

پروین کابلی

که اکنون به محل بازدید فعالین کارگری و انقلابی تبدیل شده بود بارها و بارها بوسیله عوامل رژیم تخریب شد.

۴ آبان مصادف شد با چهلمین روز جانباختن مهسا امینی. از چند روز پیش راههای منتهی به آرامستان آچی و شهرسقر تحت کنترل نیروهای سرکوبگر رژیم بود. فرمانداری سقز، خانواده امینی را تهدید کرده و خانه ی آنها را در محاصره قرار می دهد. و تهدید می کند چنانچه در مراسم شرکت کنند فرزند دیگرشان را دستگیر خواهد شد. در سایت رسمی شهر فرمانداری سقز نامه ای جعلی را در رابطه با عدم برگزار هرگونه مراسمی با امضای والدین مهسا منتشر میکنند.

سقز در روز ۴ آبان زیر ذره بین انقلابیون بود. اینترنت شهر رسماً قطع شد. مردم مدارس و محل های کار را تعطیل کردند و دسته دسته پیاده و یا با ماشین بطرف آچی حرکت کردند. سالمندان با تجمع در کوچه و خیابان یا ایستگاه اتوبوسها با فلاکس های چای از مردمی که پیاده به سوی آرامستان آچی در حرکت بودند استقبال نمودند. راهها که بسته شد از طریق بیراهه ها و ابتکارهایی محل خود را به آرامستان رسانند. فیلمهای منتشر شده نشان میدهد که چگونه مردم راه های بسته شده بوسیله نیروهای رژیم را دور زدند و با شعار زن، زندگی، آزادی، مرگ برخامنه ای، مرگ بردیکتاتور، اجتماعی بیش از ده هزار نفر تشکیل دادند. تصاویر این اجتماع در بسیاری از نشریات مشهور جهان در صفحات اول از جمله نیویورک تایمز منتشر شد. شهرهای کردستان بشدت متشنج بود و حالت انفجاری بخود گرفته بود. در بیش از ۳۰ شهر ایران همزمان اعتراضاتی برگزار گردید. خیابانها بسته شد و راههای ارتباطی بوسیله انقلابیون در میدان های بزرگ بسته شد، حجاب ها سوزانده شد و با فریاد آزادی، آزادی روز شکوهمندی را به نمایش گذاشتند. بیلوردهای تبلیغی رژیم با تصاویر خمینی و خامنه ای به آتش کشیده شدند. کادر درمانی و پزشکی در تهران دست به اعتصاب زد و به خیابان آمد و بخشهایی از بازار لاله زار بسته شد. در این روز هم تعدادی جانباختند، آمار دستگیری ها بالا رفت. روز بعد یعنی در ۵ آبان جایزه شجاعت به زلنسکی و مسیح علینژاد تعلق گرفت. عجب نوستالژی جالبی. هرچه که جنبش اعتراضی پیش می رود تناقضات و بی ربطی جریانات راست با آن بیشتر می شود.

در ۸ آبان توماج صالحی در چهار محال بختیاری دستگیر شد. خبر دستگیری توماج که صدای انقلاب ایران نام گرفته است، در ابتدا توسط خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران منتشر گردید. این خبرگزاری اعلام کرد که او را در گذرگاهی مرزی در هنگام فرار از ایران دستگیر نموده اند. عکسهای منتشر شده از او در شبکه های اجتماعی نشان میداد که توماج در هنگام دستگیری مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و چشمش آسیب دیده است. خبر دستگیری توماج خواننده رپ در صدر خبرهای میدیای اجتماعی و در دنیای رپ قرار گرفت و بسیاری بلافاصله عکس العمل نشان دادند و خواهان آزادی بی قید و شرط وی شدند.

در جمعه ۱۳ آبان تجمع مردم در شهرهای سراوان، خاش، راسک، ایرانشهر در سیستان و بلوچستان به خون کشیده شد و دهها تن کشته و زخمی شدند. اعتراضات مردم بار دیگر در جمعه ۲۰ آبان، ۴ آذر

سیستان و بلوچستان با سرکوب نیروهای انتظامی روبرو می شود و بیش از ۱۰۰ نفر کشته می شوند که کودکان کشته شده در این درگیریها بیش از ۱۶ نفر اعلام شد.

در شهرهای مختلف اروپایی چهره هایی جدیدی ظهور کردند و با اعلام سیاست "همه با هم" و قدرت مالی بسیار، به سازمان دهی تظاهرات های هزاران نفری پرداختند. پرچم های شیرو خورشید، با بی علامت سطنتی برای لانس کردن "انقلاب ملی ایران" و شعار "همه با هم" خیابانها را تسخیر کرد. مجسمه های پلاستیکی از شیرهای تخت جمشید، امامزاده ی سیار کورش، ماکت های مقوایی خاندان پهلوی به خیابانها آورده شدند. ویتزین اپوزیسیون راست با پیوستن عبدالله مهدی تکمیل می شود و نماینده ی فدرالیست های قومی هم در این ویتزین جایی پیدا کرد.

با نزدیک شدن به سالگرد آبان خونین ۹۸ رژیم با بزرگترین چلنج دوران حکومت خود روبرو شد و تلاش کرد که به مقابله با آن بپردازد. اعتراضات وارد یک فاز جدی گردیده بود. در بیش از ۶۰ شهر بزرگ ایران بازاریان و مغازه ها اعلام اعتصاب کردند. دانشگاهها، مدارس به این فراخوان پیوستند. کارگران ذوب آهن در اعتراض به عدم رسیدگی به خواستههایشان دو روز اعتصاب کردند. در ایلام، کردستان، آذربایجان غربی، تهران و بسیاری جاهای دیگر دانشجویان در خیابانها اجتماع می کنند و شعار "مرگ بردیکتاتور" در همه جا طنین می افکند. نیروهای امنیتی با گاز اشک آور به خوابگاه دختران دانشگاه علامه حمله کرده و با پرتاب بمب صوتی و سنگ شیشه ها را شکسته و سپس گاز اشک آور پرتاب می کنند. دو نفر از دانشجو مصدوم شدند. مهدی واحدی معاون دانشجویی دانشگاه علامه می گوید «احتمال دارد که گاز اشک آور با وزش باد به خوابگاه وارد شده است» چه می توان گفت بقولی «خجالت یک خصوصیت انقلابی است» از این وحشی ها چه انتظاری می توان داشت؟

در طول سه روز که مغازه ها و بازارها تعطیل است رژیم با گسترش وسیع اعتراضات روبرو می شود. در کوچه و خیابان از شمال تا جنوب، از غرب تا شرق مردم در خیابانها هستند. در این روزهاست که برای اولین بار زنان در زاهدان با شعار و صف خود به خیزش انقلابی می پیوندند. ۲۵ آبان ۱۴۰۱ مصادف با ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲ کیان پیرفلک هنگامیکه با خانواده اش از سفری ایزد برمیگردند با تیراندازی ماموران کشته و پدرش شدیداً زخمی و به اغما فرو می رود.

«با تاریک شدن هوا، تجمعات خیابانی در شهرهای همچون تهران، شیراز، اراک، اصفهان، ایزد، مشهد، همدان، کرمانشاه، تبریز، قزوین و چندین شهر کردنشین تشکیل شد و معترضان در خیابانها با تفنگ های ساچمه ی روبر شدند. خبرگزاری هه نگاه از پخش سرودهای انقلابی در مساجد مهاباد و تصرف کامل یک پایگاه بسیج در کامیاران خبر داد. در ایستگاه متروی دروازه دولت تهران به انقلابیون تیراندازی شد.

دانشگاه شریف، دانشکده علوم انسانی اصفهان، دانشگاه آزاد خمینی شهر، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه بهشتی، دانشکده کامپیوتر دانشگاه بهشتی، دانشکده ریاضی و علوم پایه دانشگاه گیلان، دانشگاه آزاد تهران واحد علوم تحقیقات، دانشکده برق، دانشگاه خواجه نصیر (۱)، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران، دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و پردیس مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه شریف، علم و صنعت، امیر کبیر در اعتصاب و اعتراض بسر می بردند. در علم و فرهنگ تهران شعار «خونی که در رگ ماست، خوراک رهبر ماست» (سر داده شد) «به نقل از ویکیپدیا»

در ادامه این اعتصابات سراسری در ۲۸ آبان (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) شهر مهاباد در وضعیت بسیار فوق العاده قرار می گیرد. جانباختن فرشته محمدی زن جوانی در ۵ آبان که مادر دو کودک بود، خشم مردم را برانگیخته بود. در مراسم چهلم فرشته و سمکومولودی که در ۴ آبان کشته شده بود سه نفر دیگر به اسامی شاهر خضری، کبرای شیخ سقا و زانیار اوبوگری جان باختند. اعتراضات وسیع مردم در شهر مهاباد به کشتار در کردستان و بلوچستان شکل دیگر میباید. با تیراندازی نیروهای سرکوبگر رژیم خیابانهای اصلی شهر بدست نیروهای انقلابی شهر می افتاد. عکسهای منتشر شده نشان می دهد که چگونه نیروهای رژیم به عقب

گرفت. نمایندگان پارلمان های اروپایی بعنوان موکلان زندانیان سیاسی ظاهر شدند.

هنوز عرق این وکلا خشک نشده بود که رضا پهلوی در تلویزیون "منو و تو" کارزاری با عنوان "من وکالت می دهم" معرفی شد. تعدادی از سلبیتی های ملی و وطنی، فوتبالیست های سابق که در جمهوری اسلامی به نوایی رسیده بودند، بقول اروپایی حال سوار این قطار هم شدند و در صندلی هایشان لم دادند تا که رضا پهلوی به نمایندگی از طرف آنها به مذاکرات پشت پرده با دولتها بنشینند. پنشنی که قرار بود در چند روز میلیونها ایرانی پایش را برای وکالت به رضا پهلوی بدهد را امضا کنند از ۴۰۰ هزار نفر تجاوز نکرد و این پروژه هم بعد از چند روز به فراموشی سپرده شد.

ادامه دارد.

توضیح (۱) در رابطه دانشگاه خواجه نصیر
دانشگاه خواجه نصیر در گزارش ۱۸ صفحه ای که در مرداد ۱۴۰۲ تحت عنوان «قیام و دانشگاه» منتشر نمود به تفصیل در رابطه با روند کنش هایی که جنبش دانشجویی و دانشگاه خواجه نصیر با آن روبرو بود اشاره نمود. این گزارش در صفحه تلگرامی شورا های صنفی دانشجویان کشور منتشر شده است.

شجاعت تکثیر می شود

از عاتکه رجبی

امروز دگر بار به دادگاه احضار شدم

تعهد نامه ای مقابل گذاشتند با این مضمون

تعهد میدهم دیگر اعمال مجرمانه جهت اخلال در امنیت نظام مرتکب نشوم و بابت جرم انجام داده ام پشیمانم

حالتان خوب است؟

چه جرمی؟

چه خللی در امنیت؟

نه بزرگوار، مشکل از من ناشناس نیست

مشکل از شما سرشناسان است

- تعهد ندارم

- تعهد نمی دهم

- تعهد نخواهم داد

- دگر بار مرا برای تعهد نخواهید



جدال آترناتیوها!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش پنجم: صدای انقلاب، توماج صالحی دستگیر شد!

پروین کابلی

رانده شده اند و فضای انقلابی همه جا مشاهده می شود. مهاباد، سنندج و دیواندره جزو شهرهایی بودند که اولین بار با شعار "زنده باد سوسیالیسم" در خیابانها ظاهر شدند.

آبان خونین ۹۸ بار دیگر تکرار شده بود. آمار جانباختگان آبان ۱۴۰۱ در مجموع ۱۴ نفر ثبت شده است و این آمار جانباختگانی است که اسمهایشان در دسترس می باشد. اما با توجه به وسعت درگیریها در این ماه این آمار نمی تواند همه ی حقیقت را بیان کند.

تعداد ریبوده شدگان، زخمی ها، خودکشی ها و مفقود شده ها هنوز در دسترس نیست. حمید رضا روحی، مونا نقیب، نسرین قادری، مهرشاد شهیدی، فرشته احمدی، کومار درافتاده، فقط تعدادی

از جوانانی هستند در خیابانهای ایران این روزها جان باختند. در ۲۸ آبان برابر با ۱۹ نوامبر به فراخوان سازمانهای سیاسی و احزاب چپ و راست در بیش از صد شهر تجمعات اعتراضی برگزار میشود. حامد اسماعیلیون به چهره برجسته این فراخوان تبدیل می شود. تظاهرات برلین بیش از ۸۰ هزار نفر و لس آنجلس ۱۰۰ هزار نفر تخمین داده شدند. در تظاهرات برلین سازمانهای چپ و سوسیالیست موفق شدند که با پرچمهای خود و با شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر" و صف مستقل خود شرکت کنند. اما حضور سازمانهای چپ و کمونیست که هنوز به تجمعات مستقل خود ادامه می دهند بحث های زیادی را چه در میان مردم و چه در احزاب سیاسی دامن می زند. سوالی که مطرح بود آیا می توان صف مستقل خود را نگاه داشت و در اعتراضاتی که از طرف سازمان ها و شخصیت های راست و یا "منفرد" فراخوان داده می شود باید شرکت کرد؟ جواب من به یکی از دوستانی که منتهای بعنوان چپ و کمونیست بسیار روشن ولی از نظر او تندروی بود. من به این رفیق دیرینه ام گفتم «به شهادت خودت ۳۴ سال است در خیابانهای این شهر با این پرچم سرخ و بلندگو بدست در حال فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی هستم. حاضر نیستم اکنون این پرچم را به زمین بگذارم و دنبال رهبران عزدارای که تا دیروز به ایران رفت و آمدهای مشکوک می کردند و یا در نوستالژی عکس های زنان بی حجاب دوره پهلوی زندگی می کنند بپیوندم.»

تظاهرات و تجمعات چپ و سوسیالیست در موارد نادری به بیش از ۳۰۰ نفر می رسید. وقایع بعدی نشان داد که حضور کمونیست ها برای صفی که برای "نجات ایران" در خیابان است غیر ممکن است. تشکیل گروههای لمپن، حمله به پرچمهای سرخ کمونیست ها، دست درازی جنسی طرفداران پهلوی در راهپیمایی ها، عریه کشیدن های ملی گرایانه موتورسوران لس آنجلسی، توهین ناموسی و فحش های رکیک به کردهایی که با پرچم کردستان در گردهمایی ها شرکت می کردند بزودی نشان داد که شعار "همه با همی" کارت برنده را به جریانات ناپاکی و مهره های ساواکی که در اعتراضات یکی بعد از دیگری رو می شدند می دهد و مردم آزادیخواهی که برای آزادی در این در صفوف این جماعت شریلاتان بودند بایستی هرچه زودتر صفوف خود را از اینها جدا کنند.

از اوائل دیماه کارزار "کفالت سیاسی" شبکه های اجتماعی را فرا

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



مردم مبارز و جوانان آزادیخواه باید از این پس برای پیشبرد هر کاری سیاست و تاکتیک متناسب بر آنرا اتخاذ کنند تا در قبال آن به ماحصل مثمر ثمر به نفع خود دست یابند. در غیر اینصورت نباید صرفاً رو فداکاری، جانبازی و... از خود مایه گذاشت و به آن بسنده کرد ولی به ماحصل آن کم توجه بود. شما مردم مبارز و فداکار در رابطه با این آتش سوزی سرانجام موفق شدید و آنرا مهار کردید، باز هم دست مرزید. اما همگام با آن باید برای پایان قطعی آن نیز به رژیم فشار بیاورید و آنرا به پذیرش حفاظت از جنگل و جبران خسارات تا به امروز وادار کرد.

کمونیست: بدون همت جوانان و مدافعین محیط زیست که جان خود را برای مهار آتش به خطر می اندازند. چرا رژیم آنچنان نقشی ایفا نمی کند. آیا به موقعیت کردستان ربط دارد. رژیم می خواهد از این طریق ضرر به مردم برساند. با توجه به این که رژیم در نابودی محیط زیست سابقه و پرونده سیاهی دارد.

سیوان کریمی: آتش سوزی و چنین مواردی همین سازمان های غیر دولتی بودند که امکانات اولیه را برای کمک رسانی مهیا کرده اند. در مورد آتش سوزی جنگل های مریوان وضعیت متفاوت است. در ۱۶ سال گذشته بارها و بارها شاهد این آتش سوزی ها در این جنگل ها بوده ایم و به قطعیت می توان گفت که تمام موارد این آتش سوزیها توسط عامل انسانی صورت گرفته است. دلیلی که رژیم اسلامی برای این امر به آن استناد می کند، مبارزه با نیروهای اپوزیسیون است. در گذشته خود رژیم توسط نیروهای نظامی و انتظامی خود این جنگل ها را به آتش می کشید و از آن به عنوان نوعی دفاع در مقابل تهدید گروه های اپوزیسیون یاد می کرد. رشد زمین خواری هم در این سال ها باعث شده که با آتش زدن جنگل ها به تخریب آن بپردازند و در پایان با همکاری خود رژیم اسلامی این جنگل های سوخته به خود این خواران واگذار می شود. اگر این مسائل را در کنار هم بگذاریم بهتر به جواب سوال می رسیم که چرا رژیم اسلامی در چنین بحران هایی دست روی دست می گذارد و در بهترین حالت نظارمگر خواهد بود.



مسئله دیگری که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد، دستگیری و شکنجه فعالین محیط زیست در ایران است. اخبار را ببینید. فعالین محیط زیستی که در تلاش هستند در فقدان یک نهاد مسئول، مردم را حول یک پلتفرم جمع کنند به راحتی دستگیر و بعضاً

اتهامات امنیتی به آنها وارد می شود. در کل می توان به این صورت جمع بندی کرد که رژیم اسلامی از یک سو به دنبال تخریب محیط زیست است و از سوی دیگر در مقابل هر شخص و نهاد مردمی هم قرار می گیرد که سعی در حل مساله داشته باشند.

کمونیست: مهار آتش تا کنون بدون نقش مردم و فعالان محیط زیست مثل موارد سالهای پیش که چندین نفر جان خود را از دست دادند ممکن نبود این همکاری و همیاری برای حفاظت از محیط زیست چه معنایی دارد. رژیم اسلامی که اقدام عجیبی انجام نداده آنچه که از خیرها پیداست.

عبداله دارابی: در پاسخ به سوال اول کوتاه اشاره کردم که، به همت نسل امروز، بعضی از کارکرد های مثمر ثمر گذشته مردم شهرهای کردستان از جمله مریوان و سنندج، با تفاوت های اندک دارد به شیوه امروزی در شرف ایفا شدن قرار میگیرد و میرود تا به سنتی ماندگار و جاویدان نه تنها در کردستان، بلکه در سراسر ایران تبدیل شود. اجازه دهید با یکی دو مثال کوتاه که شاید با هم وزن و همسنگ نباشند، به سراغ سوزاندن مستمر و هر ساله جنگل های مریوان بروم و با اتکا به آن چه باید کرد

صفحه ۹

در رابطه با آتش سوزی جنگل های مریوان

کمونیست هفتگی می پرسد

کمونیست: چند روزی است آتش سوزی وسیعی در جنگل های مریوان صورت گرفته و توسط مردم مهار شده است. مردم می گویند کار رژیم است. رژیم مدعی است که به کمک مردم آتش مهار شده و مسبب آن را شناسایی و مجازات خواهیم کرد. نظر شما چیست. این اولین بار نیست که چنین جنایتی صورت می گیرد.

عبداله دارابی: پیشاپیش جا دارد به همه دست اندرکاران و شرکت کنندگان در آن گرمای طاقت فرسا و غیر قابل تحمل توانستند آتش سوزی وسیع صد ها هکتاری جنگل های شمال و غرب شهر مریوان را مهار کنند، دستمیزاد گفت و صمیمانه به تک تک آنها درود فرستاد. از جمله زنان که از خود نقش ایفا کردند و نه تنها در خاموش کردن آتش حریق، بلکه در بخش تهیه و تدارک آبرسانی و خوردن و خوراک نیز از خود مایه گذاشتند و بدینوسیله به همه دست اندرکاران خاموش کردن این حریق، قوت قلب و دلگرمی بزرگی بخشیدند.

اینکه آیا این آتش سوزی کار رژیم هست یا نه، بخودی خود چیزی را روشن نمیکند. چون اولین بار نیست جنگل های اطراف مریوان و مناطق مرزی بطور مستمر در ابعاد وسیع طعمه حریق میشود و از بین میرود. با علم به آن باید رو این نکته تأکید که، به خودی خود نباید پذیرفت که تکرار آتش سوزی مستمر و هر ساله در یک زمان و مکان خاص و معین فی نفسه و بطور غیر ارادی و خود بخود صورت میگیرد و هیچ عامل دیگری در آن دخالت ندارد! مردم به هیچ وجه نباید از رژیم جهل و جنایت اسلامی ایران بپذیرند که در مقابل شان شانه بالا زند و با بی اعتنائی کامل مثل مدعی العموم در کنار این قضیه بسیار مهم رد شود و اظهار دارد که «ان شاء الله مسبب «را پیدا خواهد کرد و آنها را به اشد مجازات خواهند رساند و...! در مقابل این تفاخر بی جا و این مباهات صوری و ظاهری باید ایستاد و به آن جواب در خور توجه را داد. انگار برای گردن جوانان مبارز و انقلابی طناب کم آورده و با از بین بردن قهرمانانی چون شریف باجور و تیم همراهش راضی و قانع نمیشود!.

گره اصلی تداوم اینهمه آتش سوزی مداوم و خسته کننده و پرهزینه با تمام مصائب و مشکلاتش همینجاست. و باید از همین دریچه به آن نگریست و بسراغ راه حل و فصل قطعی آن رفت و به تکرار مکرر این آتش سوزی ویرانگر پایان داد. این



رژیم هار و آمکش، یا باید حفاظت تام و تمام امور جنگلداری را عملاً ضمانت کند و خسارات جانی و مالی چندین سال قبل مردم منطقه را پرداخت نماید، یا از دخل و تصرف آن دست بردارد و مردم را در این چوار چوب به حال خود رها کند. در همین رابطه، هنوز چگونگی جانبختن شریف باجور و همراهانش در هاله ای از ابهام و ناروشتی باقی مانده و مدام بر جسم و روح و روان خانواده و همراهان و دوستانشان سنگینی میکند و آنها را آزار میدهد. بهمین خاطر است که مردم هنوز که هنوز است در این رابطه انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی نشانه میگیرند. چون ماهیت و عملکرد ۴۴ ساله رژیم اسلامی ایران از هیچکس پوشیده نیست، و چنان آشکار و عریان است که با اندک تأمل قابل تشخیص و شناخت است. ۴۴ سال جنگ بی وقفه رژیم با مردم ایران، هیچ راهی و برای هیچگونه تقصص و جستجو در این زمینه باقی نگذاشته است.



این بحران‌ها کمک کنند. واقعیت این است که چنین نهادها و کمیته‌هایی به نوعی نشان از این می‌دهد که خلأی در جامعه وجود دارد. حاکمیت یا توان مواجهه با بحران را ندارد و یا تمایلی به حل آن ندارد. این همبستگی فقط مربوط به مردم مریوان و مناطق کردنشین نبود. گروه‌هایی از شهرهایی مانند شیراز، همدان، اصفهان و تهران برای مهار این آتش خود را به جنگل‌های مریوان رسانده بودند. دلیل این امر در درجه اول تجربه‌ای است که خود

مردم، کمیته‌های همیاری و سازمان‌های مردمی در مواقع بحران داشته‌اند. مردم به این امر واقفند که در چنین مواقعی فقط و فقط خود آنها، کمیته‌های تشکیل شده و نهادهای مردمی هستند که می‌توانند این بحران‌ها را مدیریت کنند. یکی از نکات برجسته که در این مورد مشخص، یعنی آتش‌سوزی جنگل‌های مریوان، می‌توان به آن اشاره کرد، حضور گسترده زنان در این نهادها و کمیته‌ها است. این پتانسیل همیشه در بین زنان وجود داشته بود و با خیزش انقلابی شهریور و تأثیر آن بر جامعه و در کنار آن حضور بیشتر و گسترده زنان در تقابل با رژیم اسلامی به اوج خود رسید. حالا شاهد هستیم که همین زنان نقش پیشتازی در کمیته‌ها و نهادها دارند و تلاش چهل و شش ساله رژیم برای به خانه بردن زنان به جایی نرسیده است. آنچه که در این یک دهه می‌توان از نقش خود مردم در مواجهه با رژیم اسلامی از یک سو و حل بحران‌هایی مانند زلزله و سیل و آتش‌سوزی از سوی دیگر نتیجه گرفت، مساله سازماندهی است. متشکل شدن و سازماندهی یکی از مهمترین ابزارهایی است که مردم برای مقابله با جمهوری اسلامی و حتی تمکین خود رژیم به خواستهای مردم از آن بهره‌مند می‌شوند.



مرگ بر جمهوری اسلامی

در رابطه با آتش سوزی جنگلهای مریوان

کمونیست هفتگی می پرسد

و راه حل خود را برای آن بیان نماییم. نمونه های تاریخی بسیار و فراوان وجود دارند که بسراغش بروم. ولی من در این رابطه بدون شرح حال تیتز وار تنها به دو نمونه تاریخی در شهر مریوان اکتفا میکنم که شاید برای عموم هم کم تا بیش قابل لمس باشد. مردم شهر مریوان در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ شمسی، دو تا کوچ را سازمان دادند و شهر و خانه و کاشانه خود را رها کردند و به لب مرز بین ایران و عراق رفتند. اولی ۱۱ روز، و دومی ۱۳ روز در آنجا ماندگار شدند تا دو خواست اصلی و اساسی خودشان را به دو رژیم سفاک پهلوی و جمهوری اسلامی ایران تحمیل کنند. این دو تلاش اجتماعی، با اتکا به تلاش کم نظیر همه کمونیستها و آزادیخواهان آندوره کردستان و ایران در دنیای بدون اینترنت آن زمان توانست بپرد و خواست خود دست یابد و موفق شود.

خواست مردم داریسران(محلّه ای از شهر مریوان)، باز پس گیری زمین های زراعتی غصب شده آبا و اجدادی خود توسط مالکین و رژیم شاه، بود. و کوچ تاریخی مردم مریوان هم باعث شد رژیم هار تازه گمارده شده جمهوری اسلامی را از حمله به شهر مریوان باز دارد و نگذارد اشغال کردستان از کانال قتل عام مردم مریوان بگذرد و باعث ترس و وحشت زیادی در سراسر کردستان شود.

با توجه به یادآوری بدون شرح حال آن دو نمونه، به سراغ موضوع اصلی آتش سوزی جدید صد ها هکتاری و تکراری جنگل مریوان بر میگردم و رو سنت فراخوان آزادیخواهان سراسر کردستان و ایران برای خاموش کردن آن حریق، فوکوس میکنم. و بدینوسیله نفس ارزشمند بودن این نیرو را پاس میدارم و صمیمانه به نقش و جایگاه آن نیز ارجح می نهم و بار دیگر به همه شرکت کننده گان خسته نباشید میگویم. ولی همانطور که در پاسخ به سوال اول اشاره کردم، مجددا این نکته را خاطر نشان میکنم که برای پایان بخشیدن به این آتش سوزی مجدد و هر ساله باید کمی عمیق تر شد و در کنار خاموش کردن حریق جنگل، باید با اعتراض و مبارزات خود رژیم را نیز وادار کرد که از تخریب در این زمینه دست بکشد و اجازه ندهید به آسانی تا به امروز، این بخش دیگر از ثروت جامعه را به طعمه حریق تبدیل کند. با توجه به آن، سرنوشت بقای این جنگل، به این جنبه از کار و تلاش فعالین نیز احتیاج دارد. مردم در حال حاضر از داشتن ماتریال برای این کار تا حدودی برخوردارند و از قراین پیداست که فوکوس رو این جنبه و جمع آوری نیرو برای این کار تا حدودی مهیا است و با خم شدن رو آن میتوان فعالیت در این زمینه را هم شروع کرد. و بدینوسیله میتوان با توصل به ظرف جمع آوری نیرو برای خاموش کردن حریق، جنبه اعتراض کردن به رژیم را نیز آغاز کرد.

کمونیست: از خبرها پیداست که به غیر از مردم و فعالین شهر مریوان، از شهرهای دیگر گروههایی به کمک مردم برای مهار آتش رفته اند. ما بارها در رابطه با کمک به مردم در دوره کرونا، زلزله و سیل شاهد تشکیل گروهها و کمیته های همیاری بوده ایم. این اقدامات چه نقشی در همبستگی میان مردم و فعالین دارد و توصیه شما در این رابطه چیست.

سیوان کریمی: همانطور که شما هم به آن اشاره کردید، در چنین بحرانهایی نهادهای مردمی و گروههایی که یا از قبل وجود داشتند و یا به صورت اضطراری بوجود آمده‌اند، تلاش می‌کنند که به حل

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

کارکرد ندارد؟



سناریوی سیاه تبدیل ایران به یک زمین سوخته تجزیه شده توسط قدرت‌های امپریالیستی و دارودسته‌های قومپرست پیش از این طی یک دهه گذشته کاملاً رنگ باخته است. به یاد داریم بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای سیاسی حامی وضعیت موجود که بخشی از آن‌ها در

«چپ» نیز رخنه کرده بودند، با شعار «نباید سوریه و لیبی شویم» یک دهه تمامی جنبش‌های اجتماعی و خیزش‌های جامعه را زیر سؤال بردند.

تو دهنی طبقه کارگر و بخش حاشیه‌نشین جامعه به سناریوهای سیاه از طریق عدم جذب به گفتارهای سیاسی ناسیونالیستی ایرانی و همچنین جنبش‌های قومپرست در اعتراضات سال گذشته و در کلیه شعارهای عمده این خیزش انقلابی از کردستان تا بلوچستان آشکار بود. هم در اعتصابات کارگری و هم در آوردگاه‌های خیابانی که میدان جنگ نابرابر میان سنگ و گلوله بود، دست رد بر سینه شعارهای قومپرستانه و ناسیونالیستی آریایی به صورت هم‌زمان نشان داد که سوگیری این خیزش انقلابی برای اجرای چیزی به نام «انهدام اجتماعی» و «سناریوی سیاه» نیست. عدم تقاضا برای حمله نظامی و آنچه جریان لیبرال و راست روپای آن را در قالب شعار «مداخله بشردوستانه» دارد نیز مزید بر علت است.

در چنین شرایطی که بحران اقتصادی و اجتماعی کار را به جایی رسانده که دیگر لولو و ابزار هراس آفرینی حامیان نظم موجود با شعار «نباید با سرنگونی جمهوری اسلامی سوریه شویم» دیگر کارکردی ندارد، طبقه حاکمه در برابر مطالبات جامعه به سراغ ابزار دوم خود یعنی سناریوی سفید می‌رود و از «سفیدهای امروز ایران» و «شبه کادتها» (مشروطه خواهان اصلاح طلب دوره اعتدالی مبارزه انقلابی در روسیه) استمداد می‌طلبد.

همان نیروی غیر جدی و مبتذل سیاسی که در قالب اپوزیسیون راست (از جمهوری خواه فدرالیست تا مشروطه خواه ناسیونالیست) سازمان یافته و هم صدا با بخشی از چپ قوم پرست و وامانده حاشیه‌ای بر طبل «جنبش‌های افقی»، «مردم خود رهبر هستند» و «نیازمند سازماندهی نیستیم» می‌گویند، امروز مستعد این هستند که به محض چراغ سبز بخشی از دارودسته‌های سیاسی رژیم با یک سناریوی سفید جذاب به آغوش نظم موجود باز گردند.

منصور حکمت در سال ۱۳۷۴ در بحثی با جریانات اپوزیسیون که گویی برای همین امروز نوشته شده است، با انتقاد و افشای ترسیم سناریوهای سفید و سیاه از سوی اپوزیسیون راست، از ماهیت کریه سناریوی سفید «آشتی ملی» سخن می‌گوید. این «آشتی ملی» شعاری است که امروزه از اصلاح‌طلبان تا اصول‌گرایان شرمند نیز سال‌هاست در ایران سر داده می‌شود.

حکمت در افشای ماهیت «آشتی ملی» می‌نویسد: «بحث سناریوی سفید و سیاه بحث مسالمت‌جویی در برابر خشونت‌طلبی، یا میان‌روی در مقابل افراتی‌گری نیست. اجازه بدهید نمونه‌ای از تفسیرهای این‌چنینی را ذکر کنم. آقای محمد ارسنی از «مشروطه‌طلبان راستین» پس از مطالعه مقاله روای‌های ممنوع مجاهد مقاله‌ای در این مورد در کیهان لندن نوشته است. ایشان با الهام از نوشته ما، گروه‌های سیاسی را بر دودسته تقسیم می‌کند. می‌گوید: «به قول یکی از فعالان سیاسی» (که اسم‌بردن از او ظاهراً خلاف روح مشروطه است) «یک دسته سناریوی سیاه برای ایران می‌نویسند و یک دسته سناریوی سفید». در دسته‌بندی ایشان طرفداران «آشتی ملی»، «حفظ تمامیت ارضی»، «پلورالیسم فرهنگی» و «مدافعان مسالمت عناصر سناریوی» سپید «اند!» که ایشان به

درس‌های پاییز ۲۰۲۲ برای پاییز ۲۰۲۳

دوراهی تکرار شهریور و ارتقای مبارزه به

مرحله بالاتر

سمیرا دولت‌شاهی

روند مبارزات و خیزش‌های انقلابی آغاز شده از دی‌ماه ۱۳۹۶ تا به امروز نشان داده است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند بر تضادهای عمده خود فائق آید. این پیش‌فرض با توجه به انبوه مطالبات برجای مانده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که نظم موجود هیچ پاسخی جز «به آن ندارد، رهنمون کننده ما به این است که مشکل عدم توفیق در سرنگونی از طرف دستگاه سرکوب - که به وظیفه ذاتی خود عمل می‌کند - باز نمی‌گردد، بلکه مشکل از نیروی اجتماعی و آن جنبش واقعاً موجود اجتماعی است که ابزارهای لازم برای برکندن نظم موجود را فراهم نمی‌کند.

بیان جملات تکراری و کلیشه‌ای مانند اینکه «ایران دیگر به قبل از شهریور ۱۴۰۱ و شروع جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی باز نمی‌گردد» و «سرکوب دستگاه حاکمه راه به جایی نمی‌برد و آب بالاخره راه خود را باز می‌کند»، البته در سطح شعار و آژیتاتوری سیاسی و پروپاگاندا علیه دستگاهی که حیات خود را ازلی و ابدی می‌داند، مناسب است؛ اما نباید چنین رتوریک و خطابه اجتماعی جذابی جنبه تئوریک و تحلیلی نگاه ما به وضعیت موجود را تشکیل و نقشه راه ما برای انهدام نظم موجود اجتماعی و سیاسی را فراهم سازد.

در شرایطی که نظم موجود توان انعطاف خود در عرصه داخلی و خارجی را از دست داده و نه می‌تواند درباره برنامه‌های عظمت‌طلبانه منطقه‌ای و اتمی خود کوتاه بیاید و نه توان این را دارد که در برابر بدنه ارتجاعی حامی خود از سنگ‌های ارزش‌های مذهبی خویش عقب‌نشینی کند، و نه توان این را دارد که به شوک‌های پی‌درپی اقتصادی در قیمت‌های کلیدی و نرخ کالاهای اساسی مثل بنزین، نان، گاز و... به دلیل لجام‌گسیختگی نظام مالی و بانکی و کاهش دائمی ارزش پول بکاهد، تمام سرمایه‌گذاری سیستم به دستگاه امنیتی و نظامی خود فروکاسته می‌شود.

این فروکاسته شدن تمامی راهکارها و توان یک نظام سیاسی روی دستگاه امنیتی و نظامی در بلندمدت با نظامی سازی سازوکارهای مدیریت امنیتی و جنگ روانی همراه خواهد بود. مغزهای متفکر امنیتی در چنین شرایطی مانند سال ۱۳۵۶ به دلیل نوع راهکارهایشان به حاشیه رانده شده و سرکوب لخت و عریان بدون تعامل و بدون تلاش برای فریب جامعه از طریق جنگ روانی خود را در کف خیابان نمایان خواهد کرد.

اینکه چه چیزی می‌تواند بازدارنده باشد یا نباشد، سؤالی است که جوابش در ادامه با افزایش حجم خشونت علیه جامعه روشن خواهد شد، اما آنچه بیش از هرچیز روشن به نظر می‌رسد، آن است که ما پایان «قدرت بازدارندگی نظم موجود با خون و اعدام» می‌نامیم.

در چنین شرایطی حالت مرگ یک رژیم تنها با یک راه حفظ خواهد شد؛ «زدویند طبقاتی و سیاسی یک جنبش ارتجاعی راست، عظمت طلب و ناسیونالیست با بخشی از قدرت در داخل برای اجرای یک پروژه سناریوی سفیدی» برای نجات طبقات حاکم بسیار محتمل است. اما چرا سناریوی سفید اکنون روی میز است و «سناریوی سیاه» دیگر

باور بوده و هستند که تنها راه تضمین جلوگیری از وقوع هرج و مرج و ترساندن مردم از فردای بدون افق، «دادن افق» معین از طریق دعوت و فراخوان به کنش سیاسی متحزب و متشکل است.

شش سال تجربه جنبش‌های فاقد سر و رهبریت و مرجعیت در داخل توسط بخشی از چپ هپروتی و حاشیه‌ای که این روزها با مجوز قانونی رژیم‌های سیاسی از «خود آیینی» و جنبش‌های افقی و خودبه‌خودی سخن می‌گویند و مبارزه و ایجاد نظم نوین را به «مقاومت» در برابر نظم موجود تقلیل می‌دهند، گویای این است که آنچه این جریان‌ها به‌عنوان امتیاز از آن طی یک دهه اخیر یاد می‌کنند، دقیقاً به پاشنه آشیل آن‌ها بدل شده است. جالب اینکه دارنده‌های ناسیونالیست و سلطنت‌طلب راست نیز دقیقاً از همین فرمول‌ها استفاده کرده و با بی‌مسئولیتی تمام فراخوان سازماندهی خودبه‌خودی می‌دهند و در پایان همگان را به دعا در جهت ظهور اعلیحضرت پهلوی (یا در نمونه چپ حاشیه‌ای آن؛ وقوع رخداد!) فرامی‌خوانند.

جنبش سیاسی ما در واقع دعوت به حرکت در معکوس این جریان است؛ جنبش کمونیسم کارگری (به‌عنوان یک جنبش اجتماعی) با این فراخوان به میدان می‌آید که «مبارزات تاکتونی ارزشمند هستند؛ اما بدون قرار گرفتن در مسیر و جهت درست و مؤثر، بدون نتیجه و با هزینه‌های بیشتر از دستاورد مواجه خواهیم بود، لذا باید مبارزات را به صورت متحزب و متشکل پیش ببریم تا از شرایط ناکجاآبادی و همزمان حفظ وضعیت موجود عبور کنید.

جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی به مانند خیزش‌های دیگر سال‌های اخیر، دستاوردهای جدی داشت و هنوز هم به‌عنوان یک پتانسیل سیاسی حیات خود را دارد. اما روندهایی که در سال گذشته رخ داد، درس‌هایی دارد که برخی از آن‌ها باید تقویت و عناصری از آن‌ها باید رها و حذف شوند. اینکه تشکل‌های مدنی مطالبات خود را به شکل رادیکال مطرح کنند، خوب بوده و احزاب اجتماعی نیز در جهت مبارزات آن‌ها تلاش می‌کنند و مایل به تقویت آن‌ها هستند، اما مبارزه برای «مطالبه فوری» هرگز نمی‌تواند نیاز به «ضرورت سرنگونی فوری» و برنامه فوری برای عبور از جمهوری اسلامی «را - که توسط حزب و سازمان سیاسی باید مطرح شود - رفع کند.

دفاع از آزادی، رفاه و امنیت جامعه به صرف حضور نیروی اجتماعی در شوراها انجام نمی‌شود. شوراها باید جهت و رسالتی داشته باشند و این جهت و رسالت باید ضامن آزادی و برابری در جامعه باشد. این جهت را حزب کمونیستی طبقه کارگر تضمین خواهد کرد؛ لذا ما شوراها را بی‌خاصیت و بدون هویتی که بقایای طبقه حاکم بتوانند به آن جهت بدهند و با تصمیمات خود از هر نوع تعهد و مسئولیتی بگریزند را نمی‌پسندیم و در جهت خط دهی به کلیه تشکل‌ها، مجامع عمومی، نهادهای مدنی و اجتماعی و در نهایت شوراها مردمی در جامعه حرکت می‌کنیم؛ این همان افق روشنی است که حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جامعه می‌دهد.

۱۳ مردادماه ۱۴۰۲



درس‌های پاییز ۲۰۲۲ برای پاییز ۲۰۲۳

دوراهی تکرار شهریور و ارتقای مبارزه به

مرحله بالاتر

سمیرا دولتشاهی

این صورت لیست‌شان می‌کند:

«کلیه کانون‌های اهل‌قلم(!)، محافل دفاع از حقوق بشر، سازمان‌های مشروطه‌خواهی واقعی، جمهوری‌خواهان ملی ایران، دسته‌های پیرو راه مصدق، فداییان اکثریت، حزب دموکراتیک ملت ایران، جناحی از حزب دموکرات کردستان ایران که پشتیبان تمامیت ارضی کشور است... شهریار ایران» رضا پهلوی «به سبب تلاشی که برای آشتی ملی به عمل می‌آورد می‌تواند جایگاهی برجسته در این طیف به خود اختصاص دهد. شخصیت‌های مذهبی خاصه آن دسته از متفکران اسلامی که در جهت جدایی دین از دولت می‌کوشند نویسندگان سناریوی سپیدند. «نویسندگان سناریوی سیاه در مقابل» مبلغان و مجریان تزه‌های خشونت‌آمیز «هستند، آن‌ها که آشتی ملی را تحقیر می‌کنند و شخصیت‌ها را به بهانه اشتباهات گذشته‌شان نفی می‌کنند و البته یکی از اینها به‌رغم آقای ارسنی «چپ افراطی و ستیزمجو» است.

این نقل حکمت درباره سناریوی سفید اپوزیسیون راست به‌قدری زنده است و به‌قدری در مورد جریان‌ها فوق‌الذکر صدق کرده و هنوز به آن‌ها پس از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی می‌چسبد که گویی در سال ۱۴۰۲ نوشته شده است. این نشان می‌دهد مسئله روی میز جریان راست و مسئله روی میز طبقه کارگر در برابر سرمایه‌داری موجود همان چیزی است که از زمان سیاست‌های راست‌گرایانه هاشمی رفسنجانی روی میز است: تمام سپاه بورژوازی در داخل و خارج رژیم جمهوری اسلامی با دسته‌جات مختلف خود، در برابر تمام قدرت چپ اجتماعی و طبقه کارگر و جامعه به ستوه آمده صف آرایی کردند.

اما آیا جریان کمونیستی و انقلابی دارای سناریوی سفید و سیاه است؟ تا جایی که به جنبش چپ و حتی حاشیه‌ای‌ترین سنت‌های آن باز می‌گردد، چپ جامعه صرف‌نظر از گرایش خود هرگز دارای سناریوی سیاه نیست. مسئله حکمت این است که چپ اجتماعی با وجود عدم تقدیس «منع خشونت به هر قیمت» «خود دارای یک «سناریوی سفید» از نوع خود است. این چپ در صورت کسب قدرت سیاسی خود را ملزم به تضمین امنیت و آزادی‌های مدنی جامعه می‌داند. چنان که خود حکمت می‌نویسد:

«روش و نسخه ما برای یک سناریوی سفید، سازماندهی انقلاب علیه جمهوری اسلامی به رهبری طبقه کارگر در ایران است. حکومت کارگری جامع‌ترین و کامل‌ترین نمونه آن رژیم سیاسی مدرن و سکولار و آزادی است که از آن سخن می‌گوییم. حکومتی که با تضمین آزادی و برابری همه و با گشودن صحنه برای دخالت وسیع و مستقیم مردم در سرنویشت خویش، کلیه جریان‌ها را متزوی و خنثی خواهد کرد. فراخوان اول ما به مردم کارگر و زحمت‌کش و هر کس که آزادی و برابری کلمات مقدسی را برایش تشکیل می‌دهند، پیوستن به حزب و مبارزه مشترک همراه حزب علیه رژیم اسلامی و همه دورنماهای تاریکی است که ارتجاع بورژوازی جلوی میلیون‌ها انسان در ایران قرار داده است.»

چیزی که خود حکمت و حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کند، این بود که حکمت و این تشکیلات بر این

مرگ بر جمهوری اسلامی!



آغاز کرده است، دور جدیدی از واگذاری واحدهای تولیدی به وابستگان خود و آفازاده ها به نام خصوصی سازی تحت عنوان برنامه هفتم اقتصادی "مولد سازی" و برای تامین کسری بودجه دولت که بیکار سازی های وسیعی به همراه خواهد داشت، فقر و فلاکت را گسترش می دهد.

به گفته رحیم ممبینی معاون بودجه سازمان برنامه در سال جاری دولت برای تامین بودجه، بخوان تامین بودجه "نیروهای سرکوب و تامین حقوق آنان، مساجد و منبرو حفظ بقا" "با کسری بودجه بیش از ۷۹۴ هزار میلیارد تومان روبروست. می گویند دولت برای جبران این میزان کسری بودجه دو راهکار بیشتر ندارد یا قیمت سوخت را افزایش دهد و یا از طریق افزایش قیمت گاز صنایع، بالا بردن مالیات و افزایش قیمت کالاهای اساسی کسری بودجه و بخصوص تبصره ۱۴ لایحه قانون بودجه سال ۱۴۰۲ که به هدفمند سازی پارانه ها اختصاص دارد جبران کند. یعنی دولت ارتقا پارانه برای تامین بخش بسیار کوچکی از هزینه مردم را از این طریق از جیب خود مردم دوباره بازپس می گیرد. افزایش قیمت بنزین همچون نان در دستور کار دولت برای تامین بودجه دولت نیز هست. و با وجود اینکه دولت افزایش قیمت بنزین را همچون افزایش بهای نان که در دو ماه گذشته سخنگویان دولت آن را تکذیب می کردند، در دستور آنان قرار دارد و باید منتظر بود که عملی شود. دولت جمهوری اسلامی برای ادامه بقا دوسیاست را در پیش گرفته است. تحمیل فقر و فلاکت و تشدید سرکوب !.

اقتصاد ایران بخصوص تورم به دلیل رابطه و درهم تنیدگی بیش از حد با بحران سیاسی و مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی به مسئله لا علاج و ریشه ای و غیر قابل حل تبدیل شده است و تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت باشد علاج نخواهد شد. و به قول اقتصاددانان، اقتصاد ایران در حال فروپاشی است و دولت هیچ گونه راه حلی برای برنورفت از بحران اقتصادی ندارد و ناکارآمدی سیاستهای دولت این بحران را هر روز تشدید می کند.

بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول نرخ تورم در سال ۱۴۰۲ را در ایران ۴۰ درصد پیش بینی کرده است در صورتیکه نرخ تورم طبیعی در یک کشور متعارف سرمایه داری بطور معمول ۲ تا ۴ درصد می باشد. بدون تردید خیزش انقلابی چند ماهه اخیر نه تنها بحران اقتصادی که بحران سیاسی و بحران مشروعیت جمهوری اسلامی را شدت بخشیده و در مقابل بحرانهای تو در تورا حلی جز ابزار سرکوب و تشدید آن در دستور ندارد.

راه حل بحران و فقرزدایی

آنچه عیان است و به تجربه ثابت شده است، دولت سرمایه داری ایران مطلقا قادر به مهار بحران اقتصادی نیست و کوچکترین چشم اندازی برای بهبود و رشد اقتصادی به معنای سرمایه دارنه آن نیز وجود ندارد به دلیل بحران سیاسی که در وجود جمهوری اسلامی لانه کرده

گرانی، تورم، بلای جان مردم!

ورشکستگی اقتصادی دولت، مردم تاوان می دهند

سعید یگانه

تورم و گرانی در جمهوری اسلامی مهار شدنی نیست بر خلاف وعده های رئیسی که فقط در دستور قتل و کشتار و تهدید مردم مهارت دارد، که در دولت او تورم کاهش یافته. وضعیت اقتصادی بهبود پیدا کرده است، تورم و گرانی روز به روز تشدید می شود و زندگی مردم را بیشتر تحت فشار قرار می دهد. تشخیص این وضعیت بحرانی و فقر و فلاکت اقتصادی تحلیل و تفحص خاصی نمی خواهد. مشاهدات واقعی و میدانی مردم در زندگی روزمره، تورم و گرانی سرسام آور که زندگی اقتصادی اکثریت کارگرو زحمتکش و مردم تهیدست را به نابودی کشانده است گویای بحران مزمن و عمیق اقتصادی است که ابعاد آن هر روز بیشتر می شود و راه حل قطعی آن در حاکمیت جمهوری اسلامی وجود ندارد. نگاهی به گرانی کالاهای اساسی مردم که ساعتی و روزانه تشدید می شود و قدرت خرید اکثریت مردم کارگر و زحمتکش را به شدت پائین آورده است، کالاهای ضروری زندگی، همچون گوشت و لبنیات و مواد انرژی زا از سفره آنان حذف می شود. نان که در غیاب کالاهای ضروری همچون گوشت و لبنیات یکی از پر مصرفترین کالای زندگی مردم فقیر و تنگ دست است با گرانی ۴۰ درصدی در روزهای اخیر جیبهای خالی آنها را بیشتر خالی می کند.

طبق آمارهای رسمی تورم گوشت قرمز ۸۶ درصد، مرغ ۸۲ درصد و لبنیات ۸۰ درصد است. قیمت هر کیلو گوشت قرمز بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون و مرغ بین ۱۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان است و این گرانیها باعث کاهش خرید این محصولات شده است. گرانی دارو و سایر اقلام مورد نیاز زندگی جای خود دارد. بر اساس آمار رسمی میانگین هزینه خانوارها در خرداد امسال نسبت به خرداد ۱۴۰۱، ۴۱ درصد افزایش یافته است. مضافا تعطیلی و بیکار سازی های وسیع در واحدهای تولیدی که یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و با توجه به بیکاری وسیع در کشور که جایگزینی برای آنان نیست، خانواده های کارگری و زحمتکش را با فقر و وخامت بیشتر زندگی روبرو می کند. به قول معروف مردم با ریال حقوق می گیرند و با دلار خرج می کنند و قیمت دلار هر روز سیر صعودی دارد و ریال ارزش آن سقوط می کند.

دولت جمهوری اسلامی هم اکنون بخشی از کسری بودجه خود را از طریق گرانی اجناس و کالاهای ضروری مردم با حذف ارز ترجیحی و بالا بردن مالیاتها تامین می کند. تا جایی که اخیرا بر سر تصاحب درآمد ناشی از جریمه زنان بدون حجاب میان دولت و نیروهای انتظامی اختلاف ایجاد شده است. علاوه بر این اخیرا جمهوری اسلامی تعرض وسیع اقتصادی با هراج اموال عمومی به سفره خالی مردم

گرانی، تورم، بلای جان مردم!

ورشکستگی اقتصادی دولت، مردم تاوان می دهند

سعید یگانه

است. دیپلماسی اقتصادی نیز نتوانست گوشه کوچکی از بحران اقتصادی در دولت رئیسی را کاهش دهد. با آغاز خیزش انقلابی در چند ماهه گذشته اضافه بر تشدید بحران اقتصادی و بیکاری و فقر، بحران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مشروعیت رژیم مذهبی و سرمایه داری ایران در نتیجه تعرض وسیع اعتراضی و توده ای به ارکانهای رژیم نه تنها بحرانها را در رژیم اسلامی تشدید کرده است بلکه آن را در تنگنای عمیق سیاسی و کابوس سرنگونی فرو برده است.

سالگرد خیزش انقلابی شهریورماه نزدیک است. گسترش اعتراضات و سازمان دادن اعتراضات و اعتصابات توده ای و کارگری می تواند بیشتر جمهوری اسلامی را در منگنه و سراسیمگی سقوط قرار دهد. سران و فرماندهان رژیم با کابوس تکرار خیزش انقلابی شهریورماه سال ۱۴۰۱ زندگی می کنند. تلاش می کنند با دستگیری و زندان و ایجاد فضای وحشت از تکرار انفجارهای اجتماعی جلوگیری کنند. اکثریت مردم نه تنها از فقر و فلاکت به تنگ آمده اند، اختناق و سوکوب آزادی های فردی و اجتماعی، زندگی را بر مردم چه مرد و چه زن تلختر کرده است. اما همه می دانیم چه راهی جز سرنگونی رژیم سرمایه داری اسلامی برای پایان دادن به فقر و فلاکت و اختناق مذهبی و جهمی که برای اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و زنان و جوانان ساخته اند باقی مانده است. جمهوری اسلامی را باید به گور سپرد. راه حل قطعی و نهایی بحران اقتصادی، پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و اختناق و سرکوب، سرنگونی جمهوری اسلامی است. انتخاب دیگری در مقابل جامعه قرار ندارد. نباید اجازه داد بیشتر از این زندگی مردم در باطلات جمهوری اسلامی فرو رود. تاوان ورشکستگی اقتصادی و تبهکاری جمهوری اسلامی را نباید بیشتر از این مردم بدهند. این رژیم را باید با قدرت توده ای و کارگری به زیر کشید.

جان باوان لطفی از دستگیر شدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱
در شهر مهاباد در خطر است. حمایتش کنید.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

آنان را مجبور به امضای تعهدنامه ای مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات، کردند.

فرهاد نوایی، کودک ۱۶ ساله با قید وثیقه آزاد شد

بر اساس گزارشات منتشر شده، #فرهاد نوایی، نوجوان ۱۶ ساله مهابادی، روز ۱۹ مرداد از کانون اصلاح و تربیت ارومیه آزاد شد. فرهاد در آبان ماه ۱۴۰۲ در روستای ترشکان شهرستان مهاباد دستگیر شده بود و بیش از هشت ماه در زندان بود. او پیشتر توسط دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان مستقر در مهاباد به اتهام "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم بر ضد امنیت داخلی کشور" به دو سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم شده بود.



مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

عزم خود را برای تجمعات اعتراضی جزم کرده‌اند و هر سه‌شنبه روبروی صندوق بازنشستگی تجمع اعتراضی برگزار می‌کنند تا شاید بعد از ۱۶ سال بتوانند مسئولان بی‌درد را وادار به اجرای قانون و اجابت مطالبات خود نمایند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، حمایت قاطع خود را از اعتراضات صنفی تمامی بازنشستگان اعم از کشوری و تأمین اجتماعی اعلام نموده، از تمامی فرهنگیان شاغل و بازنشسته دعوت می‌نماید که در سه‌شنبه‌های اعتراضی در کنار دیگر همکاران بازنشسته اعتراض خود را به روند موجود اعلام دارند."

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت حکم تجدید نظر خانم سارا سیاهپور

در این بیانیه از جمله آمده است: "دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را عیناً تأیید کرد و حکم جهت اجرا به اجرای احکام ارسال شد". تأیید حکم بدوی خانم سارا سیاهپور، معلم، فعال صنفی و از اعضای کانون صنفی معلمان ایران یکبار دیگر نمایشی بودن تشکیل چنین دادگاه‌ها و صدور چنین احکامی را یادآور می‌شود. کانون صنفی معلمان قاطعانه اعلام می‌دارد هیچ‌یک از همکاران زندانی و دارای پرونده و حکم محکومیت ما، از جمله خانم سارا سیاهپور اقدامی خلاف قوانین جاری کشور انجام ن داده‌اند و مجرمان واقعی کسانی هستند که در این سال‌ها در مسیر فعالیت مسالمت‌آمیز و قانونی نهادهای مدنی و صنفی به روش‌های مختلف ممانعت‌راشی کرده و در واقع مانع برطرف شدن مشکلات بنیادی و حتی کوچک موجود کشور از جمله در آموزش و پرورش شده و روند بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را وارونه نموده‌اند و کشور را با بحران‌های متعدد روبه‌رو ساخته‌اند."

حکم تیرنه اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان به دادگاه تجدید نظر ارسال شد

بنابر گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، حکم تیرنه ۱۱ نفر از اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان که در خردادماه سال جاری در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز صادر شده بود، با اعمال فشار نهادهای خاص و بعد از موعد (۲۰ روزه) قانونی، مورد اعتراض نماینده دادستان وحید نریمیسایی قرار گرفت و پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد. اسامی ۱۱ معلم که حکم بدوی آن‌ها مورد اعتراض نماینده دادستان قرار گرفت به شرح ذیل است: ۱- پیروز نامی ۲- زهره بختیاری ۳- کوکب بداعی پگاه ۴- علی کروشانی ۵- صادق ناصری ۶- معین زرگانی ۷- اقبال تامرادی ۸- سیامک چهرازی ۹- بهنیا بهمنی نژاد ۱۰- شهریار شیروانی ۱۱- عماد رفیعی.

تجمع اعتراضی شهروندان ناتوان جسمی و حرکتی

روز سه‌شنبه ۱۷ مردادماه ۱۴۰۲، شهروندان ناتوان جسمی و حرکتی مقابل ساختمان شورای شهر تهران در اعتراض به واگذاری سامانه حمل و نقل مختص به معلولان و عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۵ مردادماه ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش و هفت‌تپه، اهواز، کرمانشاه و دزفول در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه دست به تجمع زدند. بازنشستگان در شوشتر همچنین با خواست شفاف سازی ۲۵ درصد متناسب سازی و پرداخت معوقه آن از سال ۹۹ تاکنون و اعتراض به حق منطقه

صفحه ۱۵

مرگ چهار کارگر در چاه حاوی گازهای سمی در شیراز
رییس سازمان آتش نشانی شیراز اعلام کرد: چهار کارگر شاغل در کارگاه جمع آوری ضایعات در روستای گچی که یکی پس از دیگری برای نجات جان همکاران خود وارد چاه حاوی گازهای سمی شدند، دچار گاز گرفتگی شده و جان باختند. همگی آنها اعضای یک خانواده مهاجر افغانستانی بودند: یک پدر ۶۴ ساله و سه فرزند او که ۲۴، ۲۷ و ۲۵ سال سن داشتند. آنها به قصد نجات یکدیگر وارد چاه شدند اما از پنج کارگری که وارد چاه جمع‌آوری پساب زباله شدند تنها یک نفر از چاه زنده بیرون آورد شد و چهار تن دیگر به دلیل گاز سمی خفه شدند.

مرگ دو کارگر کارخانه فولاد شادگان بدلیل ناامنی محیط کار

روز سه‌شنبه ۱۷ مردادماه در کارخانه فولاد شادگان واقع در استان خوزستان دو کارگر بدلیل ناامنی محیط کار کشته شدند. حوالی ساعت ۱۳ و ۲۰ دقیقه روز سه‌شنبه دو کارگر شاغل در کارخانه فولاد شادگان حین انجام کار به دلیل "نقص فنی جرثقیل" از ارتفاع ۵۰ متری سقوط کردند. هویت کارگران کشته شده "عادل البوغییش و منصور غیبی‌وند" اعلام شده است که حین انجام کار از ارتفاع حدود ۵۰ متری به پایین سقوط کرده و با برخورد به بدنه جرثقیل و سطح زمین یک نفر بلافاصله جان خود را از دست داد و دیگری حین انتقال به بیمارستان جان سپرد.

زخمی شدن دستکم ۹ کولبر در نوارمرزی نوسود

شامگاه یکشنبه ۱۵ مردادماه ۱۴۰۲، نیروهای هنگ مرزی در نوارمرزی نوسود به سوی گروهی از کولبران آتش گشودند که در نتیجه آن ۹ کولبر اهل شهرهای جوانرود، ثلاث‌باباجانی و پاوه به شدت زخمی شدند. هویت شش تن از این کولبران با اسامی: احسان رسولی اهل پاوه، سلام ویسی، میلاد بازانی، نیما اعظمی و هوشیار بازانی اهل جوانرود و فرشاد (فامیلی نامشخص) اهل ثلاث‌باباجانی احراز شده است. اکثر این کولبران از ناحیه سر، پشت، دست و پا زخمی شده‌اند. احسان رسولی در این حادثه از ناحیه قفسه سینه زخمی و در اتاق عمل بیمارستان قدس پاوه مورد عمل جراحی قرار گرفته است. این کولبران زخمی جهت مداوا به بیمارستان قدس شهر پاوه منتقل شده و وضعیت عمومی چند تن از آنان نامساعد گزارش شده است.

بیانیه‌ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از تجمعات بازنشستگان در یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌های اعتراضی

در این بیانیه از جمله آمده است: "با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۱۳۸۶ بارقه امید در دل بازنشستگان کشوری و به‌تبع آن فرهنگیان بازنشسته به‌بار نشست و انتظار می‌رفت که با اجرای این قانون، بی‌عدالتی در پرداخت‌ها و تبعیضات گسترده از بین رفته و مطالبات سالیان طولانی بازنشستگان محقق گردد، به ویژه در مواد ۶۴، ۸۵ و ۱۲۵ این قانون که در صورت اجرایی شدن آن حل بعضی از معضلات، مشکلات و مطالبات معیشتی بازنشستگان به سرانجام می‌رسید. اما متأسفانه، علی‌رغم شعارهای پر طمطراق دولت‌های قبلی و فعلی در هنگامه انتخابات، نه تنها این مواد قانونی اجرایی نشد که به‌دلیل تورم افسار گسیخته‌ی سال‌های اخیر، بازنشستگان دچار فلاکتی مضاعف گردیده‌اند که لاجرم راهی جز برگزاری تجمعات و دیده و شنیده شدن فریاد مطالبات خود نداشته،

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

جنگی که به بازنشستگان کشوری و لشکری تخصیص شده، مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهر دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۱۶ مردادماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مناطق مخابراتی کشوری در اصفهان، ایلام، کرمانشاه، خوزستان، گیلان، چهارمحال و بختیاری، کردستان، استان مرکزی، مشهد، ارومیه، فارس، زنجان، آذربایجان شرقی و هرمزگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئیننامه پرسنی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند. در همین روز جمعی از بازنشستگان مخابرات تهران نیز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً در دفتر ملک جعفریان، مدیر منطقه تهران دست به تجمع زدند که یکی از بازنشستگان در هنگام صحبت و ابراز اعتراض دچار تشنج و بدحالی شد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه هفدهم مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در همدان، کرمانشاه، سمنان، اردبیل، ایلام و البرز مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری این شهر دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی پرستاران و کارکنان درمانگاه گلستان اهواز

پرستاران در برابر ساختمان اداری در اهواز، در اعتراض به پرداخت نشدن عادلانه تعرفه و پایمال شدن حقوق خود در سه‌شنبه ۱۷ مردادماه ۱۴۰۲ دست به اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی مردم تبریز در اعتراض به بی‌آبی

روز یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۲، اهالی شهرک باغ‌میشه تبریز در اعتراض به قطعی یک هفته ای آب در این شهرک با برپایی تجمع اعتراضی در میدان ونک شعار دادند: ما برای نوشیدن آب می‌خواهیم.

بازداشت پنج فعال زیست‌محیطی در مریوان

آزاد روحی، لایق احمدی، سرگوت عبادی، آلان اردشیری و دلیر محمدی، پنج فعال زیست‌محیطی اهل مریوان طی روزهای گذشته توسط اداره اطلاعات این شهر بازداشت و سرنوشتشان نامعلوم است. بازداشت این پنج فعال زیست‌محیطی در حالی است که طی روزهای گذشته آتش‌سوزی وسیعی مناطق جنگلی مریوان را فراگرفته و سازمان‌های و فعالین زیست‌محیطی در این شهر علی‌رغم مانع تراشی‌های نهادهای حکومتی با دستان خالی در حال مهار و کنترل آتش‌سوزی هستند و چندین نفر از آنها نیز در حین کنترل آتش‌سوزی زخمی و به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

حضور فعال زنان در آتش‌سوزی مریوان

زنان در مهار آتش‌سوزی در جنگلهای مریوان همراه تیم‌های داوطلب حضور فعالی داشتند. حضور پُررنگ و همکاری فعال زنان سخت‌کوش و مبارز روستای "بندول" هورامان، همراه با تیم‌های فعالین زیست‌محیطی مریوان، قلعه‌چی، قلعه‌گاه و سایر شهرهای کردستان برای مهار آتش‌سوزی جنگل بندول وجهی از این حرکت

مهم و همبستگی اجتماعی است. احضار مجدد پیروزمایی، دبیر انجمن صنفی فرهنگیان خوزستان به دادگاه

پیروز نامی، عضو هیات مدیره و دبیر کانون صنفی فرهنگیان خوزستان با اتهاماتی از جمله: ۱- نشر اکاذیب ۲- تبلیغ علیه نظام ۳- شرکت در تجمعات غیرقانونی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان اهواز احضار شد. این ابلاغیه در حالی مجدداً صادر می‌شود که پیروز نامی چندی پیش همراه ۹ نفر دیگر از فعالین صنفی معلمان خوزستان، از این اتهامات تبرئه شده بود. نیروهای امنیتی همچنین در حمله به منزل پیروز نامی و علی کروشات از اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان گواشی‌های نامبردگان را ضبط کرده‌اند.

فرنگیس قشقایی از حضور ماموران امنیتی برای اخذ تعهد خبر داد

در متن ایشان آمده است: "اینجانب فرنگیس قشقایی معلم بازنشسته استان خوزستان ساکن کرج زندانی سیاسی که در ۷ آبان سال ۱۴۰۱ به دلیل شرکت در اعتراضات دستگیر و پس از ۱۰۲ روز آزاد شدم امروز ۲ مامور از کلانتری ۱۹ با در دست داشتن حکم دادستان به درب منزل اینجانب آمده و از من بابت شرکت نکردن در اعتراضات تعهد کتبی گرفتند و من را مجرم خطاب کردند. من معلمی که برای مطالبات خودم و همکاران فرهنگیم و مشکلات هموطنانم معترض بودم را مجرم می‌خوانن!"

محکومیت سیامک ابراهیمی و شاهرخ احمدی به حبس

سیامک ابراهیمی و شاهرخ احمدی دو فعال اجتماعی مجموعاً به ۹ سال و هشت ماه حبس محکوم شدند. براساس حکمی که توسط شعبه بیست و ششم دادگاه کذایی انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری صادر و به عرفان کرم ویسی، وکیل مدافع ایشان ابلاغ شده، سیامک ابراهیمی از بابت اتهام "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور" به تحمل پنج سال حبس و در خصوص اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به هشت ماه حبس محکوم شده است. همچنین شاهرخ احمدی به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور" به ۴ سال زندان محکوم شده است. سیامک ابراهیمی و شاهرخ احمدی در ۱۸ بهمن در منازل خود در تهران بازداشت و به اوین منتقل شدند. مسولان شعبه ۲ بازپرسی دادرسی اوین پرونده‌ی آنها را "امنیتی" خوانده بودند.

صدور حکم بازنشستگی اجباری خانم لیدا اسماعیلی

هیات تخلفات استان البرز طی حکمی خانم اسماعیلی از فعالین خوشنام البرز و گیلان را به بازنشستگی پیش موعد و تقلیل گروه محکوم کرده‌است. در حالی که وزارت آموزش و پرورش برای بازگشت به کار بازنشستگان این وزارت خیز برداشته است همزمان روزانه اخباری مبنی بر انفسال از خدمت، کسر حقوق، حذف رتبه‌بندی فعالین منتشر می‌شود. دولت ریسی با سپردن پست‌های آموزشی به نظامیان سپاهی و استخدام طلاب حوزوی عملاً ساختار آموزشی این وزارت خانه را به به بخشی از ماشین سرکوب حاکمیت تبدیل کرده‌است. شورای هماهنگی ضمن حمایت از این فعال صنفی امنیتی شدن فضای مدارس و پرونده سازی و صدور احکام علیه فعالین صنفی را محکوم می‌نماید و تاکید دارد که اعتراضات فراگیر معلمان در آینده‌ای نزدیک گریز ناپذیر است.

احضار تلفنی دست کم ۱۲ دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس

بر اساس گزارش شوراهای صنفی دانشجویان کشور، گزارشات متعدد از دانشگاه تربیت مدرس حاکی از تماس تلفنی وزارت اطلاعات با دست کم ۱۲ تن از دانشجویان این دانشگاه است. طی این تماس‌ها که با شماره‌های ناشناس یا شماره خصوصی برقرار شده، دانشجویان جهت اخذ تعهد کتبی به وزارت اطلاعات احضار شده‌اند. این اقدامات در پی فرارسیدن سالگرد قتل ژینا (مهسا) امینی و هراس سیستم سرکوب از اعتراضات دانشجویی و با انگیزه ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان صورت گرفته است. در سال گذشته نیز نهادهای امنیتی بارها به این حربه متوسل شدند و دانشجویان بسیاری را احضار و تهدید کرده و در نهایت

“گرانی چراغ خاموش نان”

با دست گرفتن نان به خیابان بیاید

سیاوش دانشوری



دو برابر شدن نرخ نان از شیراز و استان فارس شروع شد و بلافاصله موجی از تکذیب در دولت شروع شد از جمله تکذیب وزیر کشور جمهوری گرسنگی اسلامی.

در اوضاعی که امام جمعه های شکم ورمالیده و بددهان علیه زنان بی حجاب تهدید می کنند و برای نمایش تعصب مردانه و اسلامی شان مسابقه گذاشته اند، گرانی نان بصورت چراغ خاموش تاکنون در ۱۳ استان اجرایی شده و در روز جمعه ۱۳ مرداد به استانهای تهران و گلستان نیز رسید.

در مورد گرانی نان و عاملهای انرژی و کالاهای پایه هیچ اختلافی در درون جناح ها و باندهای حکومتی وجود ندارد، نهایتاً اختلاف نظر برسر نحوه اجرایی کردن آن و نگرانی برسر پیامدهای اجتماعی است. یکی میگوید: مرگ یکبار و شیون یکبار و دیگری میگوید قطره چکانی و بدون اعلام و از مسیر چندنرخ و تدریجی. حالا مانده اند چگونه گرانی نان را توجیه کنند.

اقتصاددانان بازار آزادی حکومتی و غیر حکومتی بارها گفته اند سوبسید نان کار درستی نیست و باید بازار خودش نرخ را تعیین کند. نرخ نان و عامل های انرژی را با نرخ آنها در کشورهای منطقه مقایسه می کنند و البته در مورد تفاوت دستمزد کارگران تجاها و سکوت می کنند. قیل از گران شدن دور جدید نان، کم نبودند مردم کارگر و زحمتکش که هزینه تامین نان را نداشتند و نان نسبی و قسطی میخریدند. تابلوهای اعلانات نانوائی ها را بیاد آورید که "از دادن نان نسبیه معذرویم!"

در طول یک هفته قیمت رسمی نان در مشهد رکورد افزایش ۴۰ درصدی را ثبت کرد و این روال از روزهای گذشته در ۱۳ استان کشور اعمال شد و امروز به تهران رسید. این در حالی است که دولت و وزیر کشور هنوز تکذیب میکند که "در دولت چیزی با عنوان افزایش قیمت نان نداشتیم!"

گفتید گوشت قرمز گران شده مرغ بخورید، گفتید مرغ نیست ماهی بخورید، گفتید ماهی نیست اشکنه پیاز بخورید، گفتید مثل انبیا یک وعده غذا بخورید، حالا نان هم نیست، لابد میخواهید بگویید "نان نیست کیک بخورید!"

گرسنگان و فقر زدگان و حاشیه نشینان کلان شهرها که جمعیت بیش از بیست میلیون را تشکیل میدهند، بزودی درب کاخ هایتان حضور بهم میرسانند. زحمتکشان با دست گرفتن نان به خیابان ها بیایید!

۵ اوت ۲۰۲۳

حکومت فقر نمیخوایم

#نان_گران_جان_ارزان_بیا_بیا_زحمتکشان

سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱!

لزوم تشکل یابی جنبش دانشجویی!

امیر عسگری



سال گذشته پس از اعلام قتل دولتی مهسا امینی در بیمارستان کسری تهران جامعه به تتگ آمده از حکومت جنایتکاران اسلامی از ساعت ۶ بعد از ظهر مقابل بیمارستان و خیابانهای مجاور اعتراضات خود را آغاز کردند. اعتراضاتی که به رهبری فعالین جنبش آزادی زن از همان ساعات اولیه علی رغم سرکوب شدید، سریعاً و وسیعاً تکثیر یافت و فردای آن روز، در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ با شرکت هزاران زن، مرد، پیر و جوان و با شعارهای انقلابی و حضور فعال زنان در راهپیمایی و مراسم خاکسپاری پیکر مهسا (ژینا) امینی در سفر به یک خیزش انقلابی تمام عیار بدل شد.

خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات معاصر چند دهه اخیر علیه جمهوری اسلامی و ابعاد مختلف آپارتاید جنسی و دینی و همچنین مناسبات سرمایه داری و هر شکل از ستمگری بود.

در این دوره برخلاف نظر عده ای اصلاح طلب و لیبرال دوره انقلابی که از شهریور سال گذشته آغاز شد خاموش نشده است و جامعه در حال تجدید قوا برای شعله ور کردن این آتش زیر خاکستر در برهه ای مناسب است.

قطعاً باید به طوری دقیق به خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ پرداخت؛ از نقش جنبشهای اجتماعی مختلف تا شعارها و جایگاه زنان و همچنین جنبه طبقاتی این رخداد مهم مرور کرد.

بصورت خلاصه اگر بخواهیم به خاصیت و رویکرد سیاسی و پراتیک جامعه نگاه کنیم؛ روسری سوزان، رهبری زنان در میدان مبارزه و شکستن دیوار آپارتاید جنسی در دانشگاه توسط دانشجویان دختر، خواست خلاصی از آپارتاید جنسی و همچنین حمله به مراکز خرافات و صنعت دین و مذهب، خواست خلاصی از آپارتاید مذهبی از خواست های اساسی جامعه بود و هست. سر داده شدن شعارهای؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «نان کار آزادی، اداره شورایی»، «سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم»، «نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی، برابری و» «زنده باد سوسیالیسم» در سراسر کشور نشان داد که خواست جامعه، دانشجویان و جنبش های طبقاتی رسیدن به نوعی از حکومت شورایی است که بدون رسیدن به سوسیالیسم و انقلاب کارگری میسر نمی شود.

در دل خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ جنبش دانشجویی نقطه عطفی در مبارزات چهار دهه گذشته ثبت کرد که ستودنی است. دانشجویان در سراسر کشور به رادیکال ترین شکل ممکن به مقابله با ارکان سرکوب و نیروهای میلیتاریستی در دانشگاه پرداختند. در اوایل خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ فقط در برهه اولیه علی رغم بازداشت بیش از ۳۰۰ دانشجو جنبش دانشجویی پویایی و رادیکالیسم خود را نه تنها از دست نداده بلکه به مبارزات خود در فضای دانشگاه ها و جامعه ادامه داده است.

نوشته شدن و سردادن شعارهایی همچون؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «زن زندگی آزادی، اداره شورایی»، «فرزند

صفحه ۱۷

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!

سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱؛

نزوم تشکل یابی جنبش دانشجویی!

امیر عسگری

اسلامی و جناح های رژیم چنجی دست راستی و ناسیونالیستهای عظمت طلب فارس که در ریشه طبقاتی هم رنگ با دستگاه حاکمه فعلی هستند، انداخته بود. خواست های مطرح شده در خیزش شهریور ۱۴۰۱ که به بخش عظیمی از آن توسط دانشجویان فریاد زده شده بود در سالگرد این خیزش باید تکرار گردد؛ خواست هایی مهم از جمله؛ لغو حجاب اسلامی در دانشگاه و جامعه، برابری زن و مرد در تمامی عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، آزادی تشکل و حزب، لغو مذهب از دستگاه آموزشی، لغو پولی سازی آموزش، آموزش رایگان و آزادی فوری دانشجویان و فعالین دربند و همچنین سایر خواست های طبقاتی و رادیکال.

رفقای عزیز در دوره انقلابی هستیم، حکومت از هر دوره ای بیشتر در استیصال سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و نفس های آخر خود را میکشد و تمامی فشارهای موجود از همین سو است تا بلکه بتواند مدتی بیشتر در قدرت بماند ولی جامعه بخصوص زنان آزادی خواه ستون های پوسیده این حکومت را تا حدی به لرزه در آورده اند که جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند به تحمیل ایدئولوژی اسلام سیاسی خود ادامه دهد. مسئله فراتر از حجاب است و در سطح کلان عدم توان جواب دادن به خواست های سیاسی و اقتصادی مردم است. دانشگاه به عنوان سنگر آزادی میتواند به عنوان صدای رسا و آگاه جامعه در سالگرد خیزش شهریور ۱۴۰۱ در امسال یعنی شهریور ۱۴۰۲ بازگو کننده خواست هایی شود که بخاطر آن وارد دوره انقلابی شده ایم.

از این رو فراخوان ما به جنبش دانشجویی این است که همگام با جنبشهای اجتماعی دیگر، همانند سال گذشته با بلند کردن پرچم های سرخ آزادی خواهی، برابری طلبی و چپ در برابر حکومتی بایستند که دیر یا زود باید بدست خود مردم، دانشجویان، زنان و طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه سرنگون شود.



کارگرانیم، کنارشان می مانیم»، «دانشجو، کارگر، اتحاد، اتحاد» و «نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی برابری» در بخش عظیمی از دانشگاه های کشور جواب دندان شکنی از یک سو به حکومت اسلامی داده و از سوی دیگر به طرفداران سرمایه داری و به حاشیه رانده شدگان خود حکومت داد که اکنون در قالب اپوزیسیون راست پرو غرب به دنبال رژیم چنج و یا گذار مسالمت آمیز به کمک غرب از بالای سر مردم و طبقه کارگر هستند.

دانشجویان نسبت به کشتار مبارزین انقلابی همین خیزش اخیر با برگزاری بزرگداشت و صدور اطلاعیه های رادیکال در برابر حکومت جنایتکار اسلامی علی رغم سرکوب ها، زندان ها، شکنجه ها و تعلق ها و تبعید های فراوان به راه خود ادامه داده است. در پی سرکوبها شدید و صدور احکام سنگین و حتی احکام محاربه به فعالین، جنبش دانشجویی هنوز زنده است و سکون موقتی در چند ماه گذشته به دلایل امنیتی و همچنین تعطیلی تابستانی بوده ولی قطعاً فعالین این عرصه مهم مبارزاتی در حال بررسی چه باید کرد های احتمالی در دوره انقلابی کنونی هستند تا بار دیگر به میدان مبارزه بیایند.

طبیعتاً فعالین بسیاری از جمع کثیر جنبش پیشرو دانشجویی در زندان ها زیر انواع فشارها به سر میبرند و وظیفه حمایت از زندانیان سیاسی که دانشجویان بخش قابل توجهی از آن را تشکیل می دهند و وظیفه فعالین آذیخواه و برابری طلب و بخصوص چپ می باشد که خواستهای طبقاتی آنان را در دوره انقلابی نمایندگی می کنند.

طبیعتاً در چنین شرایطی به سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ نزدیک میشویم که از یک سو باید بزرگداشت هایی وسیع در سطح دانشگاه های کل کشور از کشته شدگان خیزش اخیر برگزار کرد و از سوی دیگر خواهان برچیده شدن انواع فشار بر دانشجویانی شد که پرچم آزادی خواهی و برابری طلبی را در برابر حکومت هار اسلامی علم کردند و هزینه های سنگینی تاکنون از ابعاد امنیتی بر دوش خود تحمل می کنند.

قطعاً جریانات عمدتاً راست با رویکرد پوپولیستی و از فرصت طلبی قصد دارند فراخوان های ساختگی برای سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ را صادر کنند و نیروهای اندک خود را به داخل فعالین دانشجویی نفوذ داده تا فضا را مسموم به شعارهای ارتجاعی خود کنند و همچنین فضا را برای جوسازی رسانه ای خود در تلویزیون های پرو غرب و دست راستی پر هیرینه خود آماده سازند تا آنگونه نشان دهند که گویی جایگاهی در بین جنبش دانشجویی دارند. باید در رابطه با فراخوان های دست ساز و متعلق به جریانات راست و به خصوص سلطنت طلبان و رسانه های آنان هوشیار بود، همانگونه که جواب تلاش های سلطنت طلبان و شرکت کنندگان نشست رژیم چنجی جورج تاون را فعالین عرصه های مختلف و بخش های مختلف جنبش های طبقه کارگر با دو منشور دادند، جنبش دانشجویی نیز باید با هوشیاری و رویکرد مختص خود، رادیکال، انقلابی و با شعارهای آزادی خواهانه، برابری طلبانه و چپ همچون سال گذشته بدهند.

قطعاً این خود فعالین موجود در محل و دانشجویان مبارز هستند که میدانند در فضای دانشگاه به چه شکلی و در چه مکانهایی سالگرد خیزش اخیر را گرامی دارند و با همین آگاهی از فضای مبارزاتی با هوشیاری و تشکل یابی باید همان شعارهای رادیکال خیزش اخیر را سر داده و بر دست بگیرند، همان شعارهایی که ریشه در تن حکومت

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!